

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم انقلاب با تأکید بر سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۴

محمد سالار کسرای^{۱*}، بنت‌الهدا سعیدی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸)

چکیده

تحقیق پیش‌رو با هدف تشریح فرآیند هژمونیک‌شدن گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در دهه سوم انقلاب (۱۳۸۰-۱۳۸۴) شکل گرفته است. با توجه به امتیازات نظریه لاکلاو و موفه از این نظریه به عنوان چارچوب نظری کارآمد و استراتژی روشی تحقیق برای این پژوهش استفاده شده است. یافته‌های رویکرد گفتمانی تحقیق به شرح زیر قابل ارائه‌اند:

گفتمان اصول‌گرایی با استفاده از زمینه‌های ایجادشده در اثر تزلزل‌ها و بی‌قراری‌های گفتمان اصلاح‌طلبی و با بهره‌گیری از زمینه‌ها و امکانات سخت‌افزای و نرم‌افزای هم‌چون در اختیار داشتن ساز و کارها و ابزارهای قدرت مانند قوه قضاییه و شورای نگهبان، توانست در فرآیندی رقابتی از اوایل دهه هشتاد در سه مرحله دومین دوره انتخابات شورای شهر، انتخابات مجلس هفتم و انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ زمینه‌های لازم را برای حاشیه‌رانی اصلاح‌طلبان و ساختارشکنی برخی دال‌های اصلی آن فراهم آورد. این گفتمان با تأکید بر شعارها و مفاهیمی مانند تشکیل دولت اسلامی از راه اقامه عدل و ارجاع آن به مضامینی هم‌چون امکانات برابر برای همه و آوردن نفت سر سفره‌های مردم که در قالب کاربرد زبان

* Mohammadsalar.kasraie@gmail.com

۱. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

۲. کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی

همه‌فهم و عامیانه، داشتن لحنی ساده، نمایش ساده‌زیستی و ... ارائه می‌شد، به آفرینش نظام معنایی جدیدی دست زد و با استفاده از آن علاوه بر نقد دولت‌های گذشته و اشاره به نقصان‌ها و ناکارآمدی‌های آن‌ها در تأمین و توجه عدالت‌محورانه به نیازهای اقتصادی و رفاهی مردم، به ساختار شکنی آن‌ها پرداخت و قابلیت دسترسی و اعتبار خود در افکار عمومی را افزایش داد. به این ترتیب این گفتمان برای چند سال به‌عنوان گفتمان هژمون در فضای سیاسی کشور حاکم شد.

واژگان کلیدی: گفتمان، عدالت، اصول‌گرایی، غیریت‌سازی، هژمونی.

۱- مقدمه

وجود منازعه گفتمانی بخشی تفکیک‌ناپذیر از تاریخ هر جامعه و گروه‌های اجتماعی پایدار است؛ بنابراین همیشه در هر دوره تاریخی از حیات اجتماعات بشری، دست کم دو دسته گفتمان مخالف با درجات متفاوتی از معارضة درگیر نوعی رقابت و ستیز با یکدیگرند (کچویان، ۱۳۸۶: ۱۹۷). این گفتمان‌ها به دلیل تفاوت قایل شدن میان خود و دیگری و منطق دوگانه‌انگاری تلاش می‌کنند تا با انحصار دال‌های شناور آکنده در فضاهاى سیاسی و تثبیت و معنابخشی پیرامون این دال‌ها صورت‌بندی گفتمانی خویش را شکل دهند (قیصری، ۱۳۸۵: ۱۴۶). حاصل همه این تلاش‌ها خود را در رقابت‌های گفتمانی نمایش می‌دهد که چندان دوامی نداشته و سرانجام یک گفتمان بر گفتمان یا گفتمان‌های دیگر مسلط می‌شود. در ایران پس از انقلاب نیز تاکنون شاهد رقابت میان گفتمان‌های سیاسی رقیب بوده‌ایم؛ گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی را می‌توان دو گفتمان رقیب در کشور دانست که بازی‌گردانان اصلی صحنه‌های سیاسی کشور بوده‌اند. در این میان انتخابات ریاست‌جمهوری یکی از مهم‌ترین هم‌اوردهاها برای منازعه و چالش میان این دو گفتمان بوده است. به این معنا که دوران پیش از انتخابات به عنوان آستانه ورود به حریم و عرصه تشکل‌های گفتمانی، فضایی را ترسیم می‌کند که در آن بسیاری از مفاهیم آبستن معانی جدیدی می‌شوند و زمینه برای شکل‌گیری و درانداختن طرح‌های بدیع و استراتژی‌های نوین فراهم می‌شود (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۵). انتخابات ریاست‌جمهوری نهم پایان دوره‌ای از منازعات گفتمانی دنباله‌داری بود که از سال‌های دور میان دو گفتمان رقیب اصلاح‌طلب و اصول‌گرا نمود یافته بود. این دوره از

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرائی و همکار

انتخابات به نوبه خود دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بود. در این انتخابات گفتمانی به قدرت رسید که به گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه مشهور شد؛ گفتمانی که هر چند برخلاف گفتمان رقیبش گفتمانی نوظهور و تازه متولد شده نبود و ریشه‌های آن به گفتمان محافظه‌کاری بازمی‌گشت، اما به دلیل تأکید بسیاری که بر دال عدالت داشت با گفتمان سلف خویش متمایز شد و توانست با جذب نیروهای اجتماعی و با معنابخشی حول این دال شناور در کنار سایر دال‌ها هویت گفتمانی خود را شکل دهد.

به طور کلی، هر چند پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی، عدالت همواره به عنوان یک دال در رقابت‌های گفتمانی مطرح بوده است، اما جایگاه این دال در منازعات سیاسی میان گفتمان گروه‌ها و جناح‌های سیاسی مختلف فراز و فرودهایی داشته و در هر یک از آن‌ها برداشتی متناسب با روح عملکردی‌اش از این نشانه صورت گرفته و نمود یافته است. در واقع هر یک از گفتمان‌های روی کار آمده پس از انقلاب اسلامی تلاش نموده‌اند تا این دال را به‌انحصار خود درآورده و آن را به‌گونه‌ای معنا کنند که از مزیت سیاسی بالاتری در میدان منازعه و قدرت برخوردار شوند. اما در دههٔ اخیر گفتمان اصول‌گرایی بیش از سایر گفتمان‌ها در مفصل‌بندی خود از این دال بهره برده و با قرار دادن آن به‌عنوان یکی از دال‌های اصلی توانست در جریان انتخابات نهم ریاست‌جمهوری خود را به‌عنوان گفتمان هژمون تثبیت کند.

با توجه به اهمیت مفهوم عدالت و چگونگی به‌کارگیری این مفهوم در گفتمان اصول‌گرایی، با تأکید بر سال‌های ۸۴-۸۰، پژوهش حاضر در تلاش است تا از منظر تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه^۱ به این پرسش پاسخ دهد که «چگونه در دهه سوم انقلاب گفتمان اصول‌گرایی با تأکید بر دال عدالت به گفتمان هژمون در جامعه تبدیل شد؟»

۲- چارچوب نظری؛ نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه به‌عنوان مهم‌ترین نظریه گفتمان در حوزه علوم سیاسی از کارایی بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آن‌ها

1. Laclau & Mouffe

برخوردار است و ابزارهای تحلیلی کارآمدی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در سطح کلان در اختیار ما قرار می‌دهد (سلطانی ب، ۱۳۸۴:۱۰۸).

لاکلاو و موفه در توضیح نظریه‌شان از دو دسته از مفاهیم بهره برده‌اند: مفاهیمی که به کمک آن‌ها می‌توانیم نظریه معنایی آن‌ها را که برای توصیف صورت‌بندی گفتمان‌ها به کار می‌رود بیان کنیم، و مفاهیمی که در نظریه اجتماعی شرح داده شده و از آن‌ها به عنوان مفاهیمی اساسی برای توصیف و تحلیل کشمکش‌های گفتمانی می‌توان استفاده کرد.

۲-۱- نظریه معنا

یکی از مضامین اصلی در نظریه گفتمان لاکلاو و موفه مبارزه بر سر خلق معناست. هر گفتمان همواره در حال کشمکش با سایرگفتمان‌هایی است که واقعیت را به‌گونه‌ای دیگر تعریف می‌کنند و دستورالعمل‌هایی متفاوت برای کنش‌های اجتماعی تدوین می‌کنند. براساس نظریه گفتمان تمامی تحولات اجتماعی محصول منازعات معنایی میان گفتمان‌ها با هدف دستیابی به منزلت هژمونیک است (همان، ۹۱-۸۹).

نقطه عزیمت نظریه گفتمان لاکلاو و موفه این است که هر پدیده اجتماعی امری محتمل و ممکن و نه ضروری است. بر این اساس نوعی نسبی‌گرایی در این نظریه وجود دارد. در نتیجه هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به سایر پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد، بلکه هویت هر چیز در شبکه هویت‌های دیگر که با یکدیگر ساختاربندی شده‌اند کسب می‌شود؛ نشانه‌های متفاوتی که شاید جدا از هم بی‌مفهوم باشند، اما وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند هویت نوینی کسب می‌کنند. ربط این نشانه‌ها با یکدیگر از طریق مفصل‌بندی^۱ میسر می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۷:۵۳۴). مفصل‌بندی را می‌توان عملی دانست که میان نشانه‌های پراکنده و مختلف درون یک گفتمان ارتباط برقرار می‌کند، به‌گونه‌ای که این نشانه‌ها به هویتی جدید دست پیدا کنند.

1. Articulation

هر گفتمان دارای یک سری مفاهیم، اشخاص و نمادهای انتزاعی یا حقیقی است که معانی خاصی را در بر می‌گیرند. این مفاهیم، اشخاص و نمادها دال‌های^۱ یک گفتمان هستند و معانی که به هر یک از آن‌ها نسبت داده می‌شود مدلول^۲ نامیده می‌شود. گفتمان‌ها مفصل‌بندی مجموعه‌ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک نقطه گره-ای^۳ قرار گرفته‌اند. نقطه گره‌ای را می‌توان نقطه انسجام‌بخش و مرکز ثقل یک گفتمان دانست که سایر دال‌های یک گفتمان در اطرافش جمع شده و در ارتباط با آن تعریف می‌شوند. در یک گفتمان همواره دال‌هایی نیز حضور دارند که معنای مختلفی به آن‌ها نسبت داده می‌شود و در نظریه لاکلاو و موفه به این دال‌ها، دال‌های شناور^۴ گفته می‌شود. دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا آن‌ها را به شیوه خاص خودشان معنا بخشند. سیال بودن دال معرف این است که یک گفتمان واحد موفق نشده معنای آن را تثبیت کند و گفتمان‌ها با یکدیگر در نزاع‌اند تا آن را به تصاحب خود درآورند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

دال‌های دیگری وجود دارند که درون مفصل‌بندی یک گفتمان جایی ندارند، بلکه از آن گفتمان، هر چند به‌طور موقت، طرد^۵ شده‌اند. این دال‌های شناور عنصر^۶ نامیده می‌شوند و در فرایند رقابت‌های گفتمانی برای از بین بردن هژمونی گفتمان مسلط و تسلط یک گفتمان دیگر از سوی آن گفتمان رقیب مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع عناصر دال‌هایی هستند که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و مواد خامی هستند که برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار می‌روند. آن‌ها نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده است و بالقوه معانی متعددی دارند. زمانی که در فرایندهای منازعه‌آمیز، یک گفتمان این عناصر را از حالت شناور و از حوزه گفتمان‌گونگی خارج کند و آن را در مفصل‌بندی خودش به کار گیرد، به وقته^۷ یا دال اصلی تبدیل می‌شود. به این معنی که نوعی تثبیت موقت در معنای آن دال صورت گرفته است.

-
1. Signifiers
 2. Signified
 3. Nodal Point
 4. Floating Signifiers
 5. Exclusion
 6. Element
 7. Moment

۲-۲- نظریه اجتماعی

نظریه معنایی و اجتماعی لاکلاو و موفه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. از نظر این دو حوزه اجتماع مانند نظامی نشانه‌شناختی است که گرد مبارزه بر سر تعریف نشانه‌ها و تلاش برای تثبیت^۱ معنای آن‌ها می‌گردد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۸).

به اعتقاد لاکلاو و موفه نظام روابط اجتماعی نیز برآمده از گفتمان‌ها و پدیده‌ای سیاسی است. در اندیشه لاکلاو و موفه کردارهای هژمونیک نمونه‌ای از اعمال سیاسی‌اند و شامل پیوند هویت‌های متفاوت و نیروهای سیاسی به یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر متنوع و پراکنده است. هدف کردارهای هژمونیک ایجاد یا تثبیت یک نظام معنایی یا صورت‌بندی هژمونیک است. یک مفصل‌بندی هژمونیک فقط برای مدتی می‌تواند ثبات را در جامعه برقرار کند، چرا که همواره دوره‌هایی از بحران وجود دارد که در آن مفصل‌بندی‌های هژمونیک یا به عبارت دیگر گفتمان‌های مسلط، در یک رابطه خصمانه و در ضدیت و خصومت با گفتمان دیگر قرار می‌گیرد (همان، ۱۹۴). مفهوم خصومت نقشی اساسی در اندیشه لاکلاو بازی می‌کند، چرا که شرایط وجودی یک گفتمان وابسته به غیر است و هر چیز در نظریه گفتمان در ارتباط با غیر هویت می‌یابد و هر گفتمان ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دیگری دارد که به واسطه آن هویت پیدا کند.

هیچ جامعه یک‌دستی را نمی‌توان پیدا کرد که در آن فقط یک گفتمان یا به عبارتی یک نوع جهان‌بینی حاکم باشد. به این ترتیب کلیه نهادهایی هم که وابسته به گفتمان‌اند به واسطه همان غیریت‌ها هویت می‌یابند، هویت هر گفتمان به کمک عمل هویت‌یابی سوژه‌ها تقویت می‌شود و هویت سوژه‌ها نیز خود تحت تاثیر موقعیت‌های سوژگی^۲ است که از طریق گفتمان‌ها به آن‌ها تحمیل می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۷۲).

1. Fix

2. Subject Position

۳. نظریه سوژه در لاکلاو و موفه عمدتاً متأثر از آلتوسر است. آلتوسر نظریاتی را که سوژه را خالق و خودآگاه می‌دانستند و منافع اقتصادی معینی را در سوژه‌ها مفروض می‌گرفتند نمی‌پذیرفت. او معتقد بود که این ایدئولوژی است که جایگاه فرد و موقعیت و هویت او را تعیین می‌کند. لاکلاو نیز می‌پذیرفت که هویت سوژه‌ها از طریق اعمال گفتمانی ساخته می‌شود، اما موقعیت سوژه را به موقعیت‌های سوژگی که گفتمان‌ها برای خود فراهم می‌کنند تقلیل می‌دهد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۳). موقعیت سوژگی به احاطه گفتمان هژمون بر سوژه‌ها اشاره دارد. هنگامی که سوژه در چارچوب یک مفصل‌بندی هژمونیک

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

گفتمان‌ها به گونه‌ای عمل می‌کنند که ذهنیت سوژه را در راستای دو قطب خودی و دیگری سامان می‌دهند. براساس همین دوگانگی کلیه رفتار و ذهنیت سوژه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمامی پدیده‌ها را در قالب دوگانه خود و دیگری می‌ریزد و این دوگانگی به صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و رفتار سوژه نمایان می‌شود: خودی برجسته شده و دیگری به حاشیه رانده می‌شود؛ بنابراین هویت‌یابی‌ها به واسطه غیریت‌سازی‌ها و غیریت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرد (همان، ۱۷۳). برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌هایی برای حفظ و استمرار قدرت‌اند.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی دارای دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است که بیانگر نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای قدرت‌ند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نرم‌افزاری در قالب زبان و برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سخت‌افزاری به صورت‌های مختلفی همچون توقیف، حبس، اعدام، ترور، تظاهرات خیابانی و مانند آن نمود پیدا می‌کنند. این دو نوع برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی با هم رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و تقویت‌کننده یکدیگرند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۲).

به این ترتیب گفتمان‌ها در فرایند رقابت و منازعه همواره غیر را طرد نموده و خود را برجسته می‌سازند، گفتمان‌های غیر به حاشیه رانده شده همواره تلاش می‌کنند که معنایی جدید از دال‌های تثبیت‌شده ارائه کنند و ثبات معنایی گفتمان حاکم را بر هم بزنند؛ بنابراین دال‌ها همواره در معرض شناورشدن قرار دارند (کسرایی، ۱۳۸۸: ۳۴۷). اگر گفتمان به حاشیه رانده شده موفق به از میان بردن ثبات معنایی گفتمان حاکم شود آن گفتمان دچار بحران هویت و بی-قراری (ازجاشدگی) می‌شود. بی‌قراری‌ها حوادثی هستند که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر جامعه‌اند. آن‌ها تمایل به فروپاشی نظم و به هم ریختن گفتمان موجود دارند. در شرایط تزلزل گفتمان و ازجاشدگی آن اگر گفتمان رقیب موفق به از میان برداشتن ثبات معنایی گفتمان حاکم شود، در واقع موفق به ساختارشکنی آن شده است. در ساختارشکنی دال‌ها باز تعریف می‌شوند و معنایی جدید به آن‌ها نسبت داده می‌شود. این کار با جداسازی مدلول از

قرار می‌گیرد در آن مضمحل می‌گردد و آزادی عملش محدود می‌شود. در این حالت این گفتمان است که جایگاه سوژه و الگوی عمل وی را معین می‌کند (کسرایی، ۱۳۸۸: ۳۵۷). هر موقعیت سوژه‌ای از طریق روابط متمایز با سوژه‌های دیگر ساخته می‌شود. همواره تکثری از موقعیت‌ها و گفتمان‌ها وجود دارد که انسان در آن می‌تواند به هویت دست یابد؛ بنابراین هر فرد می‌تواند موقعیت‌های سوژه‌ای بسیاری داشته باشد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

دال خود و در صورت امکان انتساب مدلول دیگری به دال مورد نظر صورت می‌گیرد. به کار بردن عبارت در صورت امکان از آن روست که در برخی موارد این امکان وجود دارد که دال و مدلول یک گفتمان ضمن ساختارشکنی رقیب به‌طور کلی از حوزه گفتمان‌گونگی جدید طرد و حذف شوند که این مسئله به تفاوت‌های بنیادین گفتمان‌ها برمی‌گردد (همان، ۳۵۱).

بنابراین اگر گفتمان غیر بتواند موجب ساختارشکنی و بی‌قراری گفتمان مسلط شود زمینه برای تسلط گفتمان رقیب فراهم می‌شود. در این شرایط نظریه‌های اجتماعی که لاکلاو آن‌ها را اسطوره^۱ می‌نامد به عنوان جایگزین گفتمان مسلط برای ارائه راه‌حل و تبیین مشکلات تولد می‌یابند و با ترسیم یک فضای آرمانی تحقق جامعه‌ای را وعده می‌دهند که در آن از بحران و مشکلات خبری نیست (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳:۱۹۵). به این ترتیب اسطوره‌ها به بازسازی آرمانی فضای اجتماعی می‌پردازند و از طریق مفصل‌بندی‌های جدید دال‌های متزلزل، به دنبال ایجاد یک عینیت اجتماعی جدید هستند. اسطوره‌ها از یک سو بازنمایی تحریف‌شده از واقعیت‌اند و از سوی دیگر این تحریف‌گریزناپذیر و سازنده است، چرا که افق‌های لازم را برای اعمال ما ایجاد می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹:۷۷). آنچه که مایه خلق و ظهور اسطوره‌ها می‌شود دال‌های خالی است. دال‌های خالی بیانگر یک خلاء در فضای اجتماعی‌اند و نشان از امری غایب دارند. دال‌های خالی با قرار گرفتن در جایگاه مرکزی مفصل‌بندی گفتمان سیاسی جدید وضعیت مطلوب و آرمانی برای آینده را به تصویر می‌کشند.

ویژگی اسطوره‌ها این است که تنها تقاضاهای یک گروه یا طبقه خاص را نمایندگی می‌کنند و این برای هژمون شدن کافی نیست؛ بنابراین اسطوره باید به تصور اجتماعی (پنداره) تبدیل شود. به این معنی که فضای آرمانی خلق شده توسط اسطوره به شکلی عمومی و فراگیر در میان مردم پدید آید. پس می‌توان گفت تصور اجتماعی اسطوره‌ای است که همگانی شده و توانسته در دسترس عموم قرار گیرد. تبدیل اسطوره به تصور اجتماعی از راه وجه استعاری انجام می‌شود، یعنی اسطوره وجهی استعاری و آرمانی به خود گرفته و گفتمان جدید خود را جهان‌شمول و پاسخگوی همه نیازها و تقاضاهای موجود در جامعه نشان می‌دهد و خود را به‌عنوان تنها راه‌حل خروج از بحران معرفی می‌کند (کسرایی، ۱۳۸۸:۳۵۳). یک گفتمان برای

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... محمد سالار کسرایی و همکار

فراگیر شدن و موفقیت باید در کنار تبدیل شدن اسطوره به تصور اجتماعی دارای دو ویژگی قابلیت دسترسی^۱ و قابلیت اعتبار^۲ نیز باشد.

لاکلاو و موفه برای تبیین این مسئله که چگونه در طول بحران‌ها برخی گفتمان‌ها در مقایسه با برخی دیگر با استقبال و موفقیت بیشتری مواجه می‌شوند، از مفهوم قابلیت دسترسی استفاده می‌کنند. قابلیت دسترسی دو جنبه دارد:

- ادبیات و مفاهیم آن ساده و همه‌فهم باشد یا دست کم به زبان ساده و همه‌فهم بیان شود.
- آن گفتمان در شرایطی در دسترس همگان قرار گیرد که هیچ گفتمان دیگری به عنوان رقیب و بدیل به شکل هژمونیک در عرصه رقابت وجود نداشته باشد (همان، ۳۶۵).

برای هژمونی یک گفتمان تنها عامل قابلیت دسترسی کافی نیست، بلکه گفتمان باید برای مردم خود قابلیت اعتبار نیز داشته باشد تا بتواند مورد پذیرش واقع شود. قابلیت اعتبار عبارت از نسبت یک گفتمان با عمل و انتظار جامعه است و از بین گفتمان‌های قابل دسترس آن گفتمانی که بتواند انتظارات مردم را تأمین کند اعتبار می‌یابد. قابلیت اعتبار به این مفهوم اشاره دارد که اصول پیشنهادی یک گفتمان با اصول بنیادین یک جامعه سازگاری داشته باشد. در شرایط اجتماعی مختلف، تمام گفتمان‌ها به شکل برابر در دسترس نیستند و نابرابری در قابلیت دسترسی بازتابی از مبارزه قدرت رسوب شده است (سعید، ۱۳۷۹: ۸۹).

۳- روش‌شناسی

معتبرترین دلیل برای اتخاذ روش تحقیق، تناسب میان مسئله تحقیق با روش تحقیق است. این پژوهش نیز متناسب با مسئله تحقیق و از منظر روش‌شناختی در حوزه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. مسئله اصلی ما در تحقیق حاضر ناظر بر چگونگی هژمون شدن یک گفتمان است. بر همین اساس ما با فرایندی سروکار داریم که داده‌های گردآوری شده از طریق متن از مناسب‌ترین داده‌ها برای تحلیل آن محسوب می‌شود و چون مطالعات گفتمانی به روش تحلیل گفتمان از اساس یک نوع بررسی تاریخی‌اند؛ بنابراین داده‌های ما نیز دو نوع خواهد بود:

-
1. Availability
 2. Credibility

- داده‌هایی همچون مصاحبه، مقاله، سخنرانی که از میان آرشیو روزنامه‌ها گردآوری می‌شود.

- داده‌های تاریخی و تجربی ناظر بر وقایع خاص تاریخی. با بهره گرفتن از این داده‌ها و مطالعات وقایع رخ داده به‌عنوان گره‌گاه‌های کلیدی، منازعات گفتمانی رخ داده در بازه زمانی مورد نظر را توصیف و تحلیل می‌نماییم. به این ترتیب شیوه گردآوری ما از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی خواهد بود که از رایج‌ترین و مهم‌ترین روش‌های گردآوری در تحلیل گفتمان است. با توجه به اینکه لاکلاو و موفه همه‌چیز را گفتمانی می‌بینند و خارج از گفتمان چیزی برای آن‌ها متصور نیست، ما نیز تمام داده‌ها را گفتمانی بررسی کرده و با همه کردارها اعم از زبانی و غیرزبانی (حادثه‌های تاریخی، سازمان‌ها، نهادها، شیوه بیان و گفتار، نوع پوشش، استراتژی‌های مقابله‌ای و...) به مثابه متن برخورد می‌کنیم. منطق نمونه‌گیری اتخاذشده نیز از نوع هدفمند (غیراحتمالی) خواهد بود. اصل اساسی در این شیوه نمونه‌گیری انتخاب موارد یا گروه‌های موارد براساس محتوای آن‌ها و نه با استفاده از معیارهای انتزاعی روش‌شناختی نمونه‌گیری است. اصل در این روش انتخاب بر مرتبط بودن با موردهای تحقیق و نه نمایا بودن داده‌ها است. بنابراین برجسته‌ترین و کاربردی‌ترین نمونه‌ها را از میان آرشیو روزنامه‌ها و سخنرانی‌ها و نیز کتب تاریخی که قابلیت بیشتری برای نشان دادن صورت‌بندی‌های گفتمانی و نیز منازعات معنایی دارند انتخاب می‌کنیم.

۴- یافته‌های تحقیق

پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش یعنی چگونگی هژمونی گفتمان اصول‌گرایی با تأکید بر دال عدالت، مستلزم تأمل در مبانی و معانی این گفتمان است. شالوده‌شکنی یک گفتمان نخستین کاری است که باید در این زمینه انجام شود. به این معنا که ابتدا باید به جست‌وجوی نشانه‌های اصلی یک گفتمان بپردازیم و چون هر گفتمانی در چشم‌اندازی تاریخی رخ نموده و به یک‌باره ظهور نمی‌کند، با مراجعه به تاریخ، می‌توان سیر تحولات گفتمانی را نشان داد.

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

همچنین شرایط تاریخی و تصادفی و نیز منازعه‌های گفتمانی و فرایند اعمال قدرت، همگی از عوامل مؤثر در پیدایش و تثبیت نشانه‌ها و حقیقت‌های گفتمانی‌اند.

پس برای شناسایی دال‌ها و مفاهیم گفتمان اصول‌گرایی ابتدا باید صورت‌بندی گفتمانی آن را متناسب با آنچه گفته شد جست‌وجو کنیم. در زمینه پیدایش و تثبیت نشانه‌ها در گفتمان اصول‌گرایی می‌توان نشانه‌های این گفتمان را متعلق به دو دوره زمانی دانست. شکل‌گیری بخشی از این نشانه‌ها و مفاهیم در جریان تحولات اوایل انقلاب و طی یک فرایند تاریخی رخ داد که از آن به رقابت میان گفتمان سنت‌گرایی و تجددگرایی یاد می‌شود. دال‌های ولایت فقیه، روحانیت و فقه از جمله این دال‌ها بودند، چرا که گفتمان اصول‌گرایی با بهره‌بردن از آن‌ها هویت خود را در برابر دشمنی شکل می‌داد که خصلتی سکولار و غیراسلامی داشت (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

از سال ۷۶ به بعد که اصلاح‌طلبان با تأکید بر توسعه سیاسی روی کار آمدند، اصول‌گرایان لازم دیدند که نظام معنایی جدیدی را برای مقابله با آن‌ها به کار بگیرند. از این رو بر خلاف اصلاح‌طلبان که بر توسعه سیاسی تأکید می‌کردند، اصول‌گرایان بر دال توسعه اقتصادی و دال‌های مرتبط با آن متمرکز شدند. در نتیجه بخش دیگری از نظام معنایی آن‌ها با تکیه بر اقتصاد شکل گرفت. اصول‌گرایان برای مشروعیت بخشیدن به شیوه‌های طرد و حاشیه‌رانی که علیه اصلاح‌طلبان به کار می‌بردند، از سال‌های ۷۶ به بعد تا سال‌های ۸۰-۸۱ دال امنیت ملی را نیز به مفصل‌بندی خود افزودند. دال روحانیت که به آن اشاره شد یکی دیگر از دال‌هایی بود که اصول‌گرایان در سال ۱۳۷۶ از آن به عنوان مرجعی برای مشروعیت‌بخشی به خود استفاده کردند. اما از سال ۱۳۸۱ به بعد این مفهوم را کنار گذاشتند و از دال‌های دیگری برای مشروعیت‌بخشی استفاده کردند؛ دال‌هایی که ریشه در اقتصاد داشتند. در حقیقت از سال‌های آغازین دهه هشتاد در پی مشکلات و بحران‌هایی که برای اصلاح‌طلبی و در عرصه سیاسی رخ داد، گفتمان اصول‌گرایی برای کسب موفقیت به دال‌هایی جدید روی آورد که ریشه در اقتصاد داشتند. به این ترتیب برخی از دال‌های پیشین خود را کنار گذاشته و برخی دیگر همچون دال توسعه اقتصادی دچار تغییر شد و به صورت نشانه‌هایی دیگر مانند عدالت، آبادانی و ... به کار گرفته شدند. البته باید گفت دالی همچون عدالت که در گفتمان اصول‌گرایی بیشتر در رابطه با دال توسعه اقتصادی قرار می‌گرفت در سال‌های پیش از این در صورت‌بندی این گفتمان -

اگرچه نه به صورت یک نشانه اصلی، به کار رفته بود، اما در طی سال‌های رقابت و منازعه با گفتمان مسلط و برای ساختارشکنی آن با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفت.

در حقیقت از سال دوم ریاست جمهوری خاتمی گفتمان اصول‌گرایی برای به دست گرفتن قدرت با شدت هر چه بیشتر تلاش نمود دال‌هایی را به کار گیرد که دال‌های خالی در گفتمان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شدند و چون عرصه اقتصادی پاشنه آشیل گفتمان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شد، به شکل دادن به صورت‌بندی خود حول دال‌های جدیدی به خصوص در حوزه اقتصاد پرداخت.

می‌توان گفت شکل‌گیری گفتمان اصول‌گرایی با تأکید بر دال عدالت پاسخی طبیعی به مشکلات و چالش‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در عرصه سیاسی و اقتصادی و نیز بی‌توجهی به مفهوم عدالت بود. با وجودی که مردم در خرداد ۷۶ به گفتمانی رای داده بودند که حول دال‌های توسعه سیاسی، آزادی، جامعه مدنی، مشارکت و ... مفصل‌بندی شده بود نیاز به عدالت همواره در پس ذهن مردم جای داشت و این‌گونه نبود که با روی کار آمدن اصلاح‌طلبی و شکل‌گیری صورت‌بندی معنایی جدید در این گفتمان، دال عدالت در جامعه به فراموشی سپرده شود. اگر چه اصلاح‌طلبان در مفصل‌بندی خود بر این دال تأکید نکرده و آن را به کار نگرفتند، اما با انتخاب دال‌هایی که ریشه در سیاست و فرهنگ داشت به این نکته اشاره می‌کردند که اگر موفق به برقراری توسعه سیاسی شوند سایر موضوعات همچون عدالت نیز در پرتو آن محقق خواهد شد. اما در دوران تسلط گفتمان اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی بی‌توجهی به توسعه اقتصادی را عامل بسیاری از مشکلات دانسته و با دست گذاشتن بر این نشانه و بیان ناکارآمدی‌ها در این عرصه، برقراری عدالت را نوید می‌داد و این در حالی بود که گفتمان اصلاح‌طلبی به دلیل بحران‌ها و مشکلاتی که در حوزه سیاست و اقتصاد برایش رخ داد کم کم دچار افول شد و شرایط را برای گفتمان رقیب خویش فراهم ساخت.

۴-۱- بی‌قراری در گفتمان اصلاح‌طلبی

شرایط اجتماعی همواره بی‌قرار است. گفتمان‌های مسلط همواره با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی دست به گریبان هستند. بحران‌هایی که سبب بی‌قراری می‌شوند و مفصل‌بندی‌های هژمونیک را ضعیف و ناتوان جلوه می‌دهند پاشنه آشیل گفتمان‌ها هستند (کسرابی،

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرائی و همکار

۱۳۸۸:۳۵۳). بی‌قراری‌های رخ داده برای گفتمان اصلاح‌طلبی باعث ایجاد نوعی خلاء در سطح معنایی برای این گفتمان شد و گفتمان اصول‌گرایی را برای ورود به عرصه قدرت تحریک کرد. در ادامه با اشاره به برخی از بحران‌ها و مشکلات رخ داده برای گفتمان اصلاح‌طلبی توضیح خواهیم داد که این بی‌قراری‌ها چگونه زمینه‌ساز افول این گفتمان و بهره‌برداری بیشتر اصول‌گرایان شدند.

ماجرای دستگیری غلامحسین کرباسچی شهردار تهران به اتهام فساد و اختلاس نخستین نشانه بروز بحران برای گفتمان اصلاح‌طلبی بود. این مسئله همچنین اولین رویارویی در میدان منازعه برای گفتمان اصلاح‌طلبی و گفتمان رقیبش بود. پس از آن و در پاییز سال ۱۳۷۷ با وقوع قتل‌های زنجیره‌ای جلوه‌ای دیگر از تنش‌های گفتمانی میان اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان رخ داد. در این جریان تعدادی از فعالان سیاسی و نویسندگان مختلف نظام (داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمدجعفر پوینده و محمد مختاری) به قتل رسیدند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹:۴۲۴). در پی این حادثه آنچه که در مطبوعات وابسته به چپ و راست منعکس شد، شروع جریان‌های بود که با فراز و نشیب بسیاری همراه بود، به گونه‌ای که از آذر ۷۷ تا مهر ۷۸ این مسئله تبدیل به یکی از منازعات اصلی در عرصه سیاست کشور شد.

گفتمان اصول‌گرایی در تحلیل و تفسیر حادثه از واژه‌هایی مثل خودسر، ضد انقلاب، چپ استحاله شده، چپ رادیکال و ... برای شرح ماجرا و عاملان و اهداف آن‌ها بهره برد. این گفتمان اصلاح‌طلبان و گروه‌های وابسته به آن را که به دنبال شعارهایی مانند جامعه مدنی، توسعه سیاسی و دموکراسی توانسته بودند پیروز شوند به پای‌بند نبودن به شعارهایشان متهم می‌کرد. این به معنای اولین اقدام گفتمان اصول‌گرایی در شالوده‌شکنی این گفتمان از برخی از عناصر و دال‌هایش بود (بابایی، ۱۳۸۸:۲۷۰).

پس از قتل‌های زنجیره‌ای وقوع حادثه کوی دانشگاه در ۱۷ تیر ۱۳۷۸ یکی دیگر از میدان‌های منازعه میان دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی را نشان داد. در جریان این حادثه نیز هر یک از گفتمان‌های رقیب کوشیدند وقوع این حادثه را به دیگری نسبت دهند. همچنین در ماه‌های پایانی سال ۷۸ و هم‌زمان با پیروزی اصلاح‌طلبان در مجلس ششم، سعید حجاریان که به مغز متفکر اصلاحات مشهور بود ترور شد و این مسئله موجب شد تا فضای ترس و ناامنی بر کشور غلبه یابد و شرایط نامطلوبی را برای گفتمان اصلاح‌طلبی رقم زند.

توقیف حدود هجده روزنامه و نشریه منتسب به اصلاح‌طلبان در ماه‌های اولیه سال ۷۹ از جمله اقدامات مؤثری بود که توسط اصول‌گرایان برای حاشیه‌رانی اصلاح‌طلبی به کار برده شد. اصول‌گرایان با در اختیار داشتن قوه قضائیه ابزاری مؤثر برای تضعیف گفتمان اصلاح‌طلبی داشتند. به زندان انداختن برخی روزنامه‌نگاران و نویسندگان جنجال برانگیز همچون عماد-الدین باقی و عبدالله نوری در همین راستا انجام گرفت و می‌توان آن را یکی از استراتژی‌های مؤثر اصول‌گرایان برای خلع اصلاح‌طلبی از یکی از ابزارهای قدرتش دانست.

یک سال بعد و در سال‌های آغازین دهه هشتاد، همزمان با ابقای مجدد سید محمد خاتمی در پست ریاست‌جمهوری اتفاق دیگری رخ داد و آن اعلام حکم ارتداد هاشم آقاچری به جرم توهین به ائمه و روحانیت و مراجع بود که این مسئله نیز جنجال زیادی در مطبوعات ایجاد کرد.

علاوه بر مشکلات عدیده‌ای که اصلاح‌طلبان در عرصه سیاست با آن مواجه شده بودند در عرصه اقتصاد نیز این گفتمان نتوانسته بود دستاوردهای قابل توجهی به دست آورد. روی آوردن سید محمد خاتمی در انتخابات هشتم به شعارها و برنامه‌هایی در چارچوب حل مشکلات اقتصادی و کمتر سخن گفتن از جامعه مدنی و آزادی و ... از این مطلب حکایت می‌کرد. در سال‌های آغازین دهه هشتاد با وجود تأکیدی که سید محمد خاتمی بر حوزه مسائل اقتصادی می‌نمود، این عرصه همچنان به‌عنوان بحثی چالش برانگیز مورد توجه اقتصاددانان قرار می‌گرفت و بازتاب آن در روزنامه‌ها مشاهده می‌شد. محمد وکیلی در یادداشتی در ۲۳ آبان ۱۳۸۱ در روزنامه صدای عدالت چنین می‌نویسد: «... روند فزاینده هزینه‌های خانوار و کاهش قدرت خرید مردم و گسترش فساد اقتصادی، رشد بیکاری و بالا رفتن نرخ تورم باعث شکل‌گیری پدیده منفی اقتصادی شده که تحمل جامعه را کاهش داده و مردم در معرض اعتراض قرار گرفته‌اند. بنابراین ما شاهد نوعی گسست اقتصادی هستیم؛ مشکلات مردم در دعوایها و درگیری‌های جناح‌ها فراموش شده است و انرژی دولت‌مردان به جای صرف شدن در راستای نیازهای مردم صرف دعوای داخلی می‌گردد» (صدای عدالت: ۸۱/۰۸/۲۳)

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... محمد سالار کسرائی و همکار

به طور کلی می‌توان بی‌قراری‌های رخ داده برای گفتمان اصلاح‌طلبی را در دو حوزه ردیابی کرد: اول بی‌قراری‌هایی که در عرصه سیاست برای این گفتمان رخ داد و دوم بی‌قراری‌هایی که در حوزه اقتصاد و مسائلی همچون فساد اقتصادی برخی مسئولین کشور بروز کرد. به این ترتیب در سال‌های آغازین دهه ۸۰ سخن از اقتصاد، تورم و مشکلات معیشتی تبدیل به یکی از بحث‌های ثابت مطبوعات کشور شد و صاحب‌نظران مختلف به دنبال ارائه راه‌هایی برای رهایی از این شرایط بودند. در این شرایط اصولگرایان به تدریج شرایط را برای ورود به عرصه قدرت مهیا دیدند و به تدریج مفصل‌بندی جدیدی ایجاد نمودند.

۴-۲- انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا

انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۸۱ آغازی بر افول اقبال اجتماعی اصلاح‌طلبان و پیدایش اصول‌گرایان بود. دومین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا در حالی برگزار می‌شد که مشکلات و بحران‌های پدید آمده در دوره اول شورای شهر تهران در نهایت باعث به انحلال این شورا چند ماه پیش از انتخابات دوره دوم شد. در دوره اول شوراها که اصلاح‌طلبان کرسی‌های آن را در اختیار داشتند، شورای شهر تهران با مشکلات سیاسی بسیاری مواجه شد و چندین نفر در طول این دوران بر صندلی ریاست آن نشستند. در نهایت اختلافات و کشمکش‌های سیاسی رخ داده میان اعضای این شورا، منجر به انحلال آن شد. البته علاوه بر مسائل سیاسی که این شورا با آن مواجه شد، در عمل مسائل حوزه اقتصادی هم یکی دیگر از عوامل ناکامی اصلاح‌طلبان در دست‌یابی به جایگاهی مطمئن در شورای دوم شهر تهران بود. در حقیقت عملکرد ناموفق شورای شهر تهران در دوره نخست منجر به بروز پدیده‌هایی همچون «گران شدن قیمت زمین»، «سیاست نادرست فروش تراکم» و ... شد. به گونه‌ای که این رویداد بی‌ارتباط با تغییر چندین باره روسای شورای شهر تهران نبود. استعفای الویری در راستای بحث بر سر اعطای غیرقانونی کاربری مسکونی و تجاری به زمین‌های باغی شمال شهر و نیز واگذاری باغ ملک به ساختمان‌سازها، برکناری ملک‌مدنی که گفته می‌شد فردی متمول بوده و دارایی او در سال ۸۱ حدود ۱۷ میلیارد تومان بیان می‌شد، در پی اقدامات

۱. ضمیمه نوروزی روزنامه ایران ص: ۱۶۸

او در مورد نفروختن تراکم در مناطق شمال شهر و فساد مالی که به وی در شهرداری نسبت داده شد، همگی از جمله مشکلات اقتصادی بروز کرده در این شورا بوده که در نهایت در کنار اختلافات درونی اعضای آن منجر به انحلال این شورا شد. روزنامه صدای عدالت در رابطه با مشکلات اقتصادی در این دوره از شورا چنین می‌نویسد: «با افزایش بحران مدیریتی در شهر تهران جمعی از نمایندگان مجلس با ارائه طرح تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری تلاش کردند تا راه برون‌رفت از بن‌بست مدیریتی شهر تهران را بیابند. کسب ثروت بادآورده توسط افراد خاص از طریق افزایش قیمت مسکن و ایجاد بازار سیاه تراکم، انحصار در ساخت‌وساز در تهران و استقراض از سرمایه‌گذاران خارجی برای فعالیت‌های عمرانی کاذب در تهران و ایجاد بحران سیاسی و اجتماعی در مرکزیت کشور از لایه‌های پنهان این اقدام شهرداری است.» (صدای عدالت ۸۱/۰۸/۳۰).

بنابراین دومین مرحله انتخابات شورای شهر در حالی برگزار می‌شد که اختلافات درونی اصلاح‌طلبان و مشکلات سیاسی آن و نمود بیرونی این درگیری که هر روز در روزنامه‌ها و رسانه‌های کشور منعکس می‌شد و در عمل شهر تهران را دچار مشکلاتی کرده بود، زمینه‌ای مناسب برای تخریب افکار عمومی در رابطه با عملکرد این شورا و نیز بازسازی گفتمان راست فراهم می‌ساخت. برخلاف گفتمان اصول‌گرایی که به این نتیجه رسیده بود که شعارهایی را برگزیند که ارتباط نزدیکی با زندگی عینی و مشکلات ملموس مردم داشته باشد، اصلاح‌طلبان با تکیه بر همان دال‌های همیشگی خود و با به‌کارگیری همان منظومه معنایی وارد گود رقابت در انتخابات شوراها شدند. گفتمان اصول‌گرایی دال‌های جدیدی را در اختیار گرفته و تلاش می‌نمود با تکیه بر شعارهایی هم‌چون خدمت، آبادانی، رشد و شکوفایی اقتصادی به مبارزه با رقیب پرداخته و آن را به حاشیه براند. اصول‌گرایان هم‌چنین برای برجسته‌سازی خود تلاش کردند تا با به‌کارگیری عنوان یا تابلوی آبادگری تمایز گفتمانی خویش را با گفتمان اصلاح‌طلبی نشان دهند. استراتژی دیگر این گفتمان برای برجسته‌سازی خود استفاده از چهره‌هایی بود که حضور کمتری در عرصه سیاست داشتند و وابستگی به جناح‌بندی‌های درگیر در صحنه نداشتند. مهدی چمران و عباس شیبانی از جمله این افراد بودند که کاندیدا شدن آن‌ها به‌عنوان چهره‌هایی غیرسیاسی می‌توانست منجر به جذب نیروهای اجتماعی سرخورده از سیاسی‌بازی‌های این دوران شود. جوان‌گرایی از دیگر مشخصه‌هایی بود که برای

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

اقبال بیشتر از سوی اصول‌گرایان به کار گرفته شد. از سوی دیگر بسیاری از افرادی که ذیل گفتمان اصول‌گرایی قرار می‌گرفتند دارای تخصص‌های مهندسی و اقتصادی بودند و با انتقاد از سیاسی شدن فضای اجتماعی به دنبال جایی برای حضور در میدان سیاسی می‌گشتند. این موضوع می‌توانست عاملی برای ارزیابی مثبت اصول‌گرایان باشد. به این معنا که این‌ها از سیاست فاصله دارند و با داشتن تخصص در حوزه اقتصاد می‌توانند در حل مشکلات این حوزه مؤثر باشند.

نمونه‌هایی از عناوین و تیترهای روزنامه‌های منتسب به دو گفتمان برای نشان دادن این‌گونه طرد و برجسته‌سازی مناسب به نظر می‌رسد.

«اصلاحات واقعی را از شوراها و با پرهیز از دعوای سیاسی دنبال می‌کنیم» (رسالت ۱۳۸۱/۱۲/۰۳).

«سیاسی شدن شوراها مشکلات تهران را بیشتر می‌کند» (رسالت ۸۱/۱۲/۰۵).

اصول‌گرایان با اشاره به این مشکلات در حوزه سیاسی ابتدا به ساختارشکنی دال اصلاحات سیاسی در این گفتمان پرداختند و عملکرد آن‌ها در این حوزه را با اشاره به فساد و رانت-خواری برخی از اصلاح‌طلبان و ناتوانی آنان در حوزه اقتصاد نقد کردند:

«بیشترین مشکلات اقتصادی کشور ناشی از سیاست‌های اصلاح‌طلبان است» (رسالت ۸۱/۱۲/۰۳).

«مردم حق دارند پرسند شورای شهر چگونه شرایط را برای رانت خواران فراهم کرد» (همان).

علاوه بر ساختارشکنی دال‌های اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایان با برجسته ساختن نیازهای اقتصادی و معیشتی مردم و ناکارآمد جلوه دادن اصلاح‌طلبان در هر دو عرصه اقتصاد و سیاست تلاش کردند تا پیروز این میدان شوند. پس با بهره برداری از دال‌های شناور در عرصه اقتصادی در صدد برآمدند خود را به‌عنوان جایگزینی مناسب در مقابل گفتمان اصلاح‌طلبی برجسته سازند و با تأکید بر این دال‌ها به ارائه تفسیرهایی پردازد که نشان از ناکامی اصول و گزاره‌های گفتمان اصلاح‌طلبی داشته باشد.

«در گفتگوی شهروند تهرانی با روزنامه رسالت: دانشجوی رشته مکانیک: به ائتلاف آبادگران رای می‌دهم چون فارغ از منازعات سیاسی هستند» (رسالت ۸۱/۱۲/۰۶).

«مردم با انتخاب درست مدیران و سپردن امور به دست افراد رجایی‌گونه و باهنرگونه می‌توانند زمینه را برای شکوفایی اقتصادی و رفع مشکلات چند ساله به بهترین نحو آماده سازند» (همان ۸۱/۱۲/۰۳).

به این ترتیب انتخابات دومین دوره شورای اسلامی شهر با تلاش اصول‌گرایان در به‌کارگیری دال‌هایی که ریشه در عرصه اقتصاد داشتند، برجسته‌سازی این نشانه‌ها و حاشیه‌رانی گفتمان حاکم با دست گذاشتن روی مشکلات آنان به نفع اصول‌گرایان پایان یافت. اما پس از آن منازعه‌های گفتمانی به‌ویژه در قالب نرم‌افزاری هم‌چنان ادامه یافت و نمایندگانی از هر دو گفتمان تلاش می‌کردند تا به شیوه‌های مختلف با بیان دلایل اقبال و عدم اقبال مردم به شرکت در این انتخابات، به طرد و حاشیه‌رانی گفتمان غیر و برجسته‌سازی خود بپردازند.

به این ترتیب اولین ریزش نیروها و نشانه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی با پیروزی اصول‌گرایان در انتخابات شورای دوم شهر تهران آغاز گردید و در انتخابات مجلس هفتم ادامه یافت تا اصلاح‌طلبان هر چه بیشتر به دوران افول خود نزدیک شوند و زمینه برای تثبیت دال‌های اصول‌گرایان فراهم شود.

۴-۳- انتخابات مجلس هفتم (گسترش خصلت استعاری)

انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی دومین مرحله قابل توجه از فرایند به حاشیه رفتن گفتمان اصلاح‌طلبی و پیدایش اصول‌گرایی است. این انتخابات نقطه عطفی در تاریخ تحول میان این دو گفتمان است که شاید بتوان آن را نقطه پایانی برای جنبش اصلاحات دانست (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۱۳). در حقیقت این انتخابات به‌منزله سکوی پرتاب اصول‌گرایان برای دستیابی به موفقیت در انتخابات ریاست‌جمهوری بود. بنابراین اصول‌گرایان این بار با تلاش و انگیزه قوی‌تری وارد میدان رقابت شدند تا بتوانند با در اختیار گرفتن مجلس، به تسلط بر قوه مجریه به‌عنوان آخرین مرحله پیروزی و یک‌دست کردن حاکمیت نائل شوند.

از جمله عوامل مهمی که این بار نیز در پیروزی آبادگران در انتخابات هفتم می‌توانست اثرگذار باشد، تأکید دوباره‌ای بود که می‌توانستند بر همان دال‌ها و نشانه‌های قبلی داشته باشند. بنابراین این بار نیز با همان نشانه‌ها و به‌کار بردن آن‌ها در سطحی وسیع‌تر پا به عرصه رقابت‌ها

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... محمد سالار کسرایی و همکار

نهادند. این در حالی بود که اصلاح طلبان هم چون انتخابات شوراها با همان نظام معنایی قبلی و بدون تغییر نشانه‌های خود وارد این منازعات می‌شدند (همان، ۲۴۹).

رد صلاحیت بیش از یک سوم از نمایندگان مجلس ششم شیوه سخت‌افزاری گفتمان اصول‌گرایی بود با در اختیار داشتن نهاد قدرت خود یعنی شورای نگهبان در انتخابات این دوره در مقابله با رقیب به کار برد و به این ترتیب زمینه برای کنار گذاشتن نیروهای این گفتمان در مجلس شکل گرفت و راه برای پیروزی اصول‌گرایان هموارتر شد. البته اصلاح طلبان نیز در واکنش به این اقدام با به‌کارگیری استراتژی تحصن سعی در تحریک افکار عمومی و به پایان بردن معادله به نفع خود کردند. البته حسینی‌زاده معتقد است در غیر این صورت هم باز امید چندانی برای برتری اصلاح طلبان وجود نداشت: «اوضاع نشان از افول ستاره بخت اصلاح طلبان داشت و حتی در غیر این صورت هم پشتیبانی گسترده مردمی از نمایندگان اصلاح طلب بعید می‌نمود» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۴۴). در نهایت پس از اینکه فقط صلاحیت تعداد اندکی از داوطلبان تایید دوباره شدند، ۱۲۵ نفر از آنان اقدام به تحصن دسته‌جمعی کردند که عملی خلاف قانون مجلس بود. این استعفا از یک سو موجب شد شرایط گفتمان اصول‌گرایی برای ساختارشکنی آن‌ها بهتر شود، چرا که اصول‌گرایی می‌توانست به دلیل اختلاف ایجاد شده در میان خود نمایندگان و نیروهای اصلاح طلب و جدا شدن طیف میانه‌رو از طیف تندرو مرزهای دقیق‌تری را با رقیب خویش مشخص نماید، و از سویی دیگر این مسئله با پراکندگی و ریزش نیروهای گفتمان اصلاح طلبی همراه شد، به‌گونه‌ای که خود اصلاح طلبان از درون دچار نوعی سرخوردگی شدند که حاصل آن ایجاد انشقاق در میان برخی نخبگان بود (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۱۶).

واکنش روزنامه همسو با این گفتمان به ماجرای تحصن و استعفای دسته‌جمعی نشان از اعتراض جریان‌ات همسو با این نمایندگان داشت: «بی‌تردید شفاف نبودن مواضع استعفادهندگان در نهایت برای جبهه اصلاح طلبی ضربه زننده خواهد بود ... تصمیم‌گیری اصلاح طلبان (در ماجرای استعفای دسته‌جمعی) مهم‌ترین چالش فراروی آن‌ها و یکی از علل کاهش محبوبیت مردمی آن‌هاست» (شرق ۸۳/۰۲/۲۴).

می‌توان گفت نمایندگان اصلاح طلب با تحصن و استعفای دسته‌جمعی، هرچه بیشتر به افول نزدیک‌تر شدند و این امکان را برای گفتمان اصول‌گرایی فراهم ساختند تا با

ساختارشکنی برخی از دال‌های اصلی این گفتمان و مصادره به مطلوب برخی دیگر، شرایط را برای پذیرش خویش فراهم سازند. دال قانون یکی از دال‌های برتر گفتمان اصلاح‌طلبی بود که این گفتمان در طی سال‌های تسلط خویش تأکید بسیاری بر آن نموده بود، اما همین دال در جریان انتخابات مجلس هفتم و پس از ماجرای تحصن نمایندگان توسط گفتمان اصول‌گرایی ساختارشکنی شد.

برای نمونه در روزنامه رسالت در ارتباط با این ساختارشکنی به این تیتراها برمی‌خوریم: «تحصن نمایندگان درحالی‌که شورای نگهبان نظر نهایی خود را اعلام نکرده قانونی نیست» (رسالت ۸۲/۱۱/۰۴).

«تحصن‌کنندگان مانند نیروهای فشار در صدد ایستادگی در برابر قانون برآمدند» (همان).

«تحصن نمایندگان به سخره گرفتن قانون است» (همان ۸۲/۱۰/۲۳).

«تحصن نمایندگان مجلس غیرقانونی و افراطی‌گری است» (همان ۸۲/۱۱/۰۱).

ایستادگی در برابر قانون، به سخره گرفتن قانون، افراطی‌گری همگی از این دست تعبیر منفی است که اصول‌گرایان علیه اصلاح‌طلبان به کار گرفتند تا این گفتمان را برخلاف آنچه که خود را نشان می‌دهد در تقابل با قانون نشان دهند. علاوه بر تأکید بر این عدم‌پایبندی، اصول‌گرایان این دال را به اسلحه‌ای علیه گفتمان اصلاح‌طلبی تبدیل کردند و در کنار ساختارشکنی آن، با تکرار این دال به عنوان دالی معتبر آن را در اختیار گرفته و تلاش کردند خود را قانون‌مند نشان دهند:

«قانون نمی‌گذارد افراد فاسد به مجلس راه یابند» (همان ۸۲/۱۰/۲۸).

«دبیر شورای نگهبان: هیچ چیز جز قانون نمی‌تواند عدالت و آزادی را تضمین کند» (همان ۸۲/۱۱/۱۲).

«عدالت در سایه اجرای قانون تحقق می‌یابد، ما به اجرای قانون تأکید داریم» (همان ۸۲/۱۱/۲۶).

ساختارشکنی دال اصلاحات از دیگر اقدامات گفتمان اصول‌گرایان بود که برای از میان بردن هژمونی گفتمان اصلاح‌طلبی به کار بردند و همچون دال قانون در حالی‌که آن را ساختارشکنی کردند، به گونه‌ای مؤثر آن را به کار گرفتند و معنایی جدید به آن منتسب نمودند. دال اصلاحات از جمله نشانه‌های مطلوب و برتر این گفتمان بود، به گونه‌ای که حتی نام این

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

گفتمان از آن گرفته شده است. اما اصول‌گرایان با بهره بردن از این دال که هنوز هم جزو دال‌های پرتعداد و نام آشنا در اذهان مردم بود، آن را ساختارشکنی کردند و در گفتمان خود برجسته ساختند. اصول‌گرایان از یکسو با به‌کار بردن واژه‌هایی همچون اصلاحات برون‌زا و اصلاحات آمریکایی^۱، اصلاحات و اصلاحات سیاسی را مسئله‌ای وارداتی و در واقع توطئه‌ای معرفی کردند که از سوی کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا سازماندهی شده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

«رادیو اسرائیل و رادیو آمریکا از تحصن‌کنندگان حمایت می‌کنند» (رسالت ۸۲/۱۱/۲۸).

«تحصن‌کنندگان پای بیگانگان را وسط کشیدند» (همان ۸۲/۱۱/۱۰).

از سویی دیگر اصول‌گرایان تلاش می‌کردند تا این دال را در اختیار خود گرفته و بیشترین استفاده از این دال را با برجسته‌سازی در گفتارهای خویش ببرند، به این معنا که بر آن بخشی از اصلاحات اشاره می‌کردند که ناظر بر اقتصاد بود و با مفاهیمی همچون مبارزه با فقر و بیکاری و فساد تعریف می‌شد:

«تنها اصلاحاتی که در چارچوب اسلام و قانون اساسی قرار گیرد در کشور بومی می‌شود، اولویت اصلاحات باید مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و بیکاری باشد. این اصلاحات اقتصادی است که بیشترین نیاز مردم نیز هست» (رسالت ۸۲/۰۷/۲۶).

«اصلاحات واقعی را با پرهیز از دعوای سیاسی دنبال می‌کنیم» (همان ۸۲/۱۲/۰۳).

تأکید بر غیراسلامی و غیربومی بودن اصلاحات وسیله‌ای است که در جریان رقابت‌های این دوره توسط نمایندگان اصول‌گرایی برای از میان بردن تثبیت معنایی این دال مورد استفاده قرار گرفت، مسئله‌ای که در انتخابات نهم نیز به کار گرفته شد. اصول‌گرایان با اشاره به اینکه اصلاحات باید بومی شود به تقلیدی بودن آن اشاره و آن را نقد می‌کنند. از سوی دیگر، اصول‌گرایان که در سال‌های تسلط گفتمان اصلاح‌طلبی در پی آسیب‌شناسی خود بودند درصدد برآمدند تا جای خالی دال توسعه سیاسی را در گفتمان خود پر کنند، پس به ساختارشکنی این دال در نظام معنایی اصلاح‌طلبان دست زدند و در این راه عاملی که به آنان کمک می‌نمود، یاس و سرخوردگی مردم از محقق نشدن وعده‌های اصلاح‌طلبان در این زمینه

۱. در این خصوص می‌توان به کتاب براندازی در سکوت مرتضی قمری وفا اشاره نمود.

بود. روزنامه کیهان در یادداشتی به قلم محمد مهاجری با عنوان حالا وقت گفتمان خدمت است، این‌گونه گفتمان اصلاح‌طلبی را در این حوزه عملکرد مورد انتقاد قرار می‌دهد: «بگذار هنوز هم عده‌ای از توسعه سیاسی سخن بگویند و خود را به تجاهل بزنند که عملکردشان در طول ۶ سال گذشته طوری بود که حضور مردم را روز به روز کاهش داده، به طوری که شهروندان از واژه‌هایی مثل سیاست می‌گریزند و اگر کلاهشان در وادی سیاست و اصلاحات و توسعه سیاسی و نظایر آن بیفتد برای برداشتنش بر نمی‌گردند» (کیهان ۸۲/۱۲/۰۴).

اصول‌گرایان هدف خود را در این انتخابات پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی و دغدغه‌های اصلی آنان می‌دانستند: «احمد توکلی: ائتلاف آبادگران در صورت راه‌یابی به مجلس هفتم تمام توان خود را برای حل مشکلات اشتغال و معیشت به کار خواهند گرفت» (همان).

همچنین این گفتمان با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شده در سال‌های گذشته عدالت را به عنوان یک دال خالی در گفتمان اصلاح‌طلبی بازنمایی می‌کند. «متاسفانه طی ۱۵ ساله گذشته یک تفکر اقتصادی رشد‌محور بدون توجه به مولفه‌هایی همچون عدالت و ارتقا وضعیت معیشتی مردم، برنامه‌های توسعه، بودجه‌های سالیانه و قوانین مالی را شکل داده است» (سیاست روز ۸۲/۱۱/۲۹).

نکته دیگری که در این رقابت‌ها قابل توجه است، ساختارشکنی دال مردم، دال برتر گفتمان اصلاح‌طلبی و به‌کارگیری و تکرار آن در صورت‌بندی گفتمانی خویش در انتخابات مجلس هفتم است. مهمترین اولویت مردم حل مسائل اقتصادی و معیشتی و اجرای عدالت به‌خصوص در این زمینه - به‌علت بروز مسائلی همچون فساد اقتصادی و مالی برخی افراد (شهرام جزایری، ملک مدنی و ...) و ایجاد فاصله طبقاتی - بود و اصلاح‌طلبان به دلیل توجه بیش از اندازه به مقوله سیاست و توسعه سیاسی چندان به این امر نپرداخته بودند و در برآوردن خواسته‌های اقتصادی مردم ناکام مانده بودند. در نتیجه در منازعاتی که در این دوره میان دو گفتمان صورت گرفت، اصول‌گرایان در صدد برآمدند با ساختارشکنی دال مرکزی اصلاح‌طلبی یعنی مردم این نشانه را به‌عنوان یکی از دال‌هایی برگزینند که رسیدگی به اولویت و مطالبات آن‌ها مورد توجه اصلی این گفتمان است. پس توجه به دغدغه‌های معیشتی و حل مشکلات اقتصادی مردم از راه اجرای عدالت مورد توجه آنان قرار گرفت. دال‌های «تلاش برای تحقق عدالت»، «توجه به مطالبات اساسی مردم» و «فقرزدایی» همگی مفاهیمی بودند که در این راستا

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

توسط اصول‌گرایان با شدتی به مراتب بیشتر از انتخابات شوراها مورد کاربرد گسترده قرار گرفتند. این بار نیز برخلاف گفتمان اصول‌گرایی که با بهره‌برداری و جذب نشانه‌ها و دال‌های اقتصادی از جمله عدالت اقتصادی در حوزه گفتمان‌گونگی اصلاح‌طلبی توانسته بود پویایی معنایی زیادی از خود نشان دهد، اصلاح‌طلبان با همان نظم معنایی و بدون تغییر در دال‌ها و نشانه‌های خود وارد عرصه رقابت شده بودند و پویایی گفتمان اصول‌گرایی را ناشی از ضعف ایدئولوژیک آن‌ها می‌دانستند. به عنوان مثال می‌توان به یادداشت فرید مدرس در روزنامه شرق اشاره کرد که بیان می‌دارد: «با وجود آن‌که ماهیت پارلمان با شورا متفاوت است، ولی اصول‌گرایان با دانستن این فرض که اعتقادات سیاسی آن‌ها به مذاق مردم خوش نمی‌آید همچنان بر مطالبات عمرانی و اقتصادی به صورتی سطحی و روبنایی و محسوس پای فشردند. آن‌ها خواستار این بودند که در پارلمان مطالبات سیاسی قدرت و نیازهای اقتصادی و عمرانی مردم را البته تا حدی که با حاکمیت تقابل نداشته باشد را پی‌گیری کنند» (شرق ۸۲/۱۲/۲۴) و این در حالی است که جناح راست این مسئله را از عوامل موفقیت خود می‌دانند. روزنامه کیهان در مصاحبه‌ای با سید فضل‌الله موسوی در تیتیری با عنوان حرف بس است این‌گونه به دلایل موفقیت اصول‌گرایان اشاره می‌کند:

«احساس منتخبین مجلس هفتم از ابتدا این بود که مطالبات حقیقی مردم غیر از آن چیزهایی است که پیش از این مثلاً در دوره قبلی پنداشته می‌شده است. برای همین گام پیش نهادند که فارغ از تنش‌های سیاسی و قوانینی که تاکنون تصویب شده و نیاز اصلی مردم نیست به مطالبات و نیازهای حقیقی مردم بپردازند. منتخبان ضمن صحبت با مردم پیش از انتخابات تقریباً شمای کاملی از مطالبات آن‌ها را به دست آورده‌اند که من چند نمونه را خدمتان عرض می‌کنم، ارتباط آنان با مردم پیش از انتخابات نشان داد که اولین مطالبه مردم بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی است. یعنی مبارزه با فقر، تورم و امثال اینها، مسئله دیگر که مورد خواست مردم بوده است مبارزه با فساد و تبعیض است که در مواجه قضایی با دستگاه‌های حکومتی با آن مواجه شده‌اند... مطالبه دیگر این بود که با اشرافی‌گری یا عدم ساده‌زیستی در میان مسئولان مبارزه شود» (کیهان ۸۳/۰۱/۲۹، آینده‌ی کاری مجلس هفتم در گفتگو با منتخب مردم).

در این متن می‌توان هر دو ساز و کار حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی را که توسط اصول‌گرایان به کار گرفته شده مشاهده کرد. همچنین این متن نشان‌دهنده ادامه تلاش اصول‌گرایان برای

ساختارشکنی دال مردم در گفتمان اصلاح‌طلبی و به‌کار گرفتن آن به نفع خود است. ارتباط با مردم پیش از انتخابات و آگاهی داشتن از مطالبات حقیقی و اولویت‌های اولیه آن‌ها به همراه فاصله گرفتن این گفتمان از سیاست، نشان از تلاش اصول‌گرایان برای به‌کار بردن دال مرکزی گفتمان اصلاح‌طلبی در صورت‌بندی خود و ساختارشکنی این دال است.

به این ترتیب با گذشت زمان خصلت استعاری گفتمان اصول‌گرایی گسترش می‌یافت و دال‌های عدالت، فقرزدایی، مبارزه با تبعیض و فساد، در یک زنجیره هم‌ارزی و در خصوصیت با گفتمان اصلاح‌طلبی کم‌کم به تثبیت معنایی دست می‌یافت و در تقابل با گفتمان اصلاح‌طلبی که از ساماندهی این بخش از تقاضاهای اجتماعی ناکام بودند، یکدیگر را در یک منظومه معنایی تکمیل می‌کردند.

۴-۴- نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری (تثبیت و هژمونی)

انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری در ایران تنها انتخابات ریاست‌جمهوری است که در دو مرحله و با بیشترین تعداد کاندیدا برگزار شد. این انتخابات همچنین یکی از انتخاباتی است که در آن هر دو گفتمان بنا به دلایلی نتوانستند بر سرنماینده‌گی یک فرد برای شرکت در انتخابات اجماع کنند؛ بنابراین در هر گفتمان چند نفر به عنوان نماینده حضور یافتند. مصطفی معین، محسن مهرعلیزاده و مهدی کروی سه نماینده گفتمان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شدند. هرچند که در عمل مهرعلیزاده مورد حمایت رهبران این گفتمان قرار نگرفت و مصطفی معین عنوان گزینه اصلی و مورد اتفاق این گفتمان در مرحله اول بود. در مقابل محمود احمدی‌نژاد، علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف به‌همراه محسن رضایی نمایندگان گفتمان اصول‌گرایی محسوب می‌شدند. البته محسن رضایی قبل از انتخابات انصراف خود را اعلام کرد و از دور رقابت‌ها خارج شد.

۴-۴-۱- مرحله اول انتخابات

اصول‌گرایان که تا پیش از این موفق شده بودند با به‌کارگیری سازوکارهای طرد و حاشیه‌رانی گفتمان رقیب و برجسته‌سازی دال‌ها و نشانه‌های خود و به‌کارگیری دال‌های معتبر گفتمان

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

اصلاح طلبی و پر کردن آن‌ها از معانی مورد نظر خود گام به گام تا کسب موفقیت پیش آیند، اکنون تنها یک مرحله تا پیروزی نهایی در پیش داشتند. آن‌ها نیاز داشتند که اسطوره‌ای را که در انتخابات شوراها ساخته بودند و خصلت استعاری آن با پیروزی در این انتخابات و نیز انتخابات مجلس هفتم در حال گسترش بود به تصور اجتماعی تبدیل کنند و خود را به عنوان گفتمان جایگزین و مطلوب معرفی نمایند. دو عامل اصلی برای هژمون شدن این گفتمان داشتن قابلیت اعتبار و دسترسی بود. دیگر ویژگی‌های این گفتمان ترسیم یک فضای متفاوت از وضعیت موجود و متمایز از معانی ترویج شده توسط گفتمان رقیب برای به کارگیری دال‌های معتبر گفتمان اصلاح طلبی و توان ظرفیت خلق معناهای جدید بود.

این انتخابات حساسیت بالایی داشت، چرا که اصول‌گرایان پس از تثبیت در انتخابات مجلس هفتم به دنبال یک دست کردن حاکمیت و در اختیار گرفتن هر سه قوه برای تسهیل در انجام امور کشور بودند و گفتمان رقیب خواهان چیزی بر خلاف این مسئله بود. نکته قابل توجه در خصوص شیوه‌های طرد و برجسته‌سازی در این دوره نوع ابزارها و استراتژی‌های مورد استفاده دو گفتمان در این رقابت‌ها بود. اول شیوه‌های نرم‌افزاری که همان سازوکارهای زبانی بود که در طول سال‌های متمادی از سوی دو طرف پی‌گیری شده و در رسانه‌ها از جمله نشریات انعکاس می‌یافت و شیوه دوم شیوه‌های سخت‌افزاری این دوره بود که برخلاف رقابت‌های پیشین با ظرافت و دقت بیشتر و اغلب برای برجسته‌سازی خود به جای حاشیه‌رانی رقیب به کار می‌رفت. کاربرد استراتژی‌های سخت‌افزاری در این دوره ویژه و مقطعی بود و تنها به این رقابت‌ها مربوط می‌شد و به روش‌هایی مانند پوستره‌های تبلیغاتی، عکس، فیلم و ... ختم می‌شدند.

چند ماه پیش از شروع رسمی انتخابات روزنامه کیهان به این شکل از استراتژی نرم‌افزاری برای ساختار شکنی گفتمان اصلاح طلبی بهره می‌برد: «دستپاچگی و کلافه بودن مدعیان اصلاحات از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری طبیعی است. کارنامه آن‌ها پیش روی دولت قرار دارد و در این کارنامه به عملکرد افراطیون این جبهه زیر ده تعلق می‌گیرد. اینها به رغم در اختیار داشتن مجلس و دولت و بهره‌مندی از پول و اعتبار فراوان و بهترین موقعیت از لحاظ درآمدهای نفتی برای کاهش تورم، گرانی، حل مشکلات معیشتی مردم، مسئله بیکاری، فساد اقتصادی و دیگر معضلات جامعه اقدامات شایان توجهی به عمل نیاوردند و پر

واضح است که همانند دانش‌آموزان تنبل و درس‌نخوان در روز امتحان دلوپسی و اضطراب داشته باشند» (روزنامه کیهان ۸/۱۲/۸۳). این متن در ادامه حاشیه‌رانی‌های قبلی نشان از تلاش اصول‌گرایان برای تضعیف گفتمان رقیب دارد. دستپاچگی و کلافه بودن، نمره زیر ده، دلوپسی و اضطراب، همگی عباراتی دارای بار منفی زیاد در راستای این ساختار شکنی‌اند.

در گفتمان اصلاح‌طلبی نیز می‌توان استراتژی‌هایی را برای طرد گفتمان اصول‌گرایی دید. اصلاح‌طلبان از چندین ماه پیش از انتخابات در برخی از گفتارهای خود تلاش می‌کردند تا با ارائه چهره‌ای خشن، مستبد و زورگو از گفتمان اصول‌گرایی آن‌ها را انحصارطلب و اقتدارگرا نشان دهند. بیانیه سازمان مجاهدین وابسته به گفتمان اصلاح‌طلبی نمونه‌ای از این استراتژی است: «هدف برخی از جریان‌ها، هدم جمهوریت و بلاموضوع کردن رای مردم در تعیین سرنوشت کشور و نظام است. آن‌ها بنا دارند با حفظ ظاهر جمهوری، استبداد را بر کشور حاکم کنند و هدفشان بلاموضوع کردن قوای سه‌گانه و نهادهای منتخب است. این جریان برآند ... میدان را صرفاً برای افراد بله‌قربان‌گوی خودساخته باز نمایند و احتمالاً چنین اقداماتی را تحول و جوان‌گرایی در اداره کشور بنامند» (خبرگزاری ایسنا ۱۹/۰۳/۸۳، به نقل از موسوی، ۱۳۸۵: ۷۰).

با گسترش فضای استعاری اسطوره‌ها، پس از انتخابات شورا و با شدت بیشتر انتخابات مجلس هفتم، این گفتمان نیاز به دو عامل دیگر برای هژمونیک شدن داشت. قابلیت اعتبار و قابلیت دسترسی دو عاملی بودند که گفتمان اصول‌گرایی با داشتن آن‌ها می‌توانست موفق به تثبیت کامل دال‌ها و نشانه‌های خود شود.

گفتمان اصول‌گرایی از چند جنبه دارای قابلیت دسترسی بود. بر خلاف مراحل قبلی که بیشتر از واژه‌هایی همچون حل مشکلات معیشتی و بی‌کاری و ... به جای کاربرد دال عدالت سخن می‌رفت، در این مرحله دال عدالت بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. هرچند که اصول‌گرایان این بار نیز تلاش کردند این دال را به گونه‌ای به کار گیرند که بیشتر ناظر بر بعد اقتصادی آن باشد. مفاهیمی همچون: فقرزدایی، تأمین نیازهای روزمره، از میان بردن فاصله میان فقیر و غنی، کم کردن فاصله تبلیغاتی و مبارزه با تبعیض و فساد و نابرابری از جمله مدلول‌های دال عدالت بودند که به آن معنا می‌دادند. دست گذاشتن اصول‌گرایان بر این دال و مدلول‌هایی که به آن منتسب کردند، در حالی بود که دشواری‌های اقتصادی جامعه ایران به دلیل

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرائی و همکار

رشد جمعیت و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی پس از جنگ و نیز افزایش این انتظارات به طور فزاینده در حال رشد بود. گفتمان اصلاح‌طلبی علاوه بر اینکه نمی‌توانست به این تقاضاها پاسخی شایسته بدهد، قادر به برآورده ساختن تقاضاهای مردم به توسعه سیاسی و دموکراسی نیز نبود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۳۲). مسئله‌ای که خود اصلاح‌طلبان نیز به آن اشاره کرده‌اند: «...رای مردم به [اصول‌گرایی] رای به ناکارآمدی اصلاح‌طلبان نه فقط در برآورده ساختن احتیاجات اولیه معاش که حتی همان احتیاجات عالی (آزادی) بود... ما مردم را حساب در گردش جیب‌های سوراخ خود می‌دانستیم در حالی که برای سازماندهی آنان هیچ کاری نکرده بودیم» (قوچانی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

علاوه بر اینکه گفتمان اصول‌گرایی عدالت را تبدیل به نشانه‌ای کرد که از طریق آن به همه نیازهای آن روز مردم پاسخ می‌گفت، عامل دیگری نیز موجب بالا رفتن قابلیت دسترسی گفتمان اصول‌گرایی می‌شد و آن قرار گرفتن عدالت در ذیل مفاهیم گفته شده با زبانی و ساده و قابل فهم بود. «اگر عدالت را محور قرار دهیم، سمت و سوی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ما عوض خواهد شد و آن‌گاه پس از آن‌که فرصت‌های برابر در اختیار تمام ملت قرار گرفت بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد» (احمدی‌نژاد، کیهان ۸۴/۰۳/۲۰).

«عدالت یعنی اینکه امکانات به‌طور عادلانه در اختیار مردم قرار گیرد» (همان ۸۴/۰۳/۲۴).

آوردن نفت سر سفره‌های مردم، مبارزه با فساد، از میان برداشتن فاصله میان فقیر و غنی و توجه به حاشیه‌نشینی همگی از اهداف اصلی نماینده گفتمان اصول‌گرایی بودند و در شرایطی مطرح می‌شدند که در ادبیات و گفتارهای رقیب نمی‌توان اثری از آن‌ها یافت. نمونه‌ای از گفته‌های کاندیدای رقیب این موضوع را نشان می‌دهد. مصطفی معین به‌عنوان اصلی‌ترین کاندیدای گفتمان اصلاح‌طلبی انگیزه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «اصلی‌ترین انگیزه من در ورود به انتخابات نهم جبهه دموکراسی و حقوق بشر است، امروز مسئله دموکراسی در کشور ما به‌طور جدی مطرح شده است، تنها راه نجات ایران هم دموکراسی، دموکراسی و دموکراسی است. اولین وجه دموکراسی هم دموکراسی سیاسی است و بعد از آن دموکراسی اقتصادی است» (شرق ۸۴/۰۳/۱۶).

از سویی دیگر می‌بینیم مهدی کروبی دیگر نماینده گفتمان اصلاح‌طلبی که همچون نامزدهای اصول‌گرا به مباحث اقتصادی توجه نشان داده و حتی وعده پرداخت ماهیانه ۵۰ هزار

تومان را به هر ایرانی بالای ۱۸ سال داده بود توانست تا سومی این دوره از رقابت‌ها بالا بیاید که این مسئله خود تأییدی است بر این نکته که نیاز به حل مشکلات و مسائل اقتصادی و توجه به وضعیت معیشتی، اولویت اصلی مردم بود. در گفتارهای کربوبی هر چند بر حوزه اقتصادی و رسیدگی به مشکلات مردم در این خصوص تأکید زیادی می‌شد، اما وی نتوانست آن‌ها را به‌زبان گویای جامعه همچون گفتارهایی که در گفتمان رقیبش به‌کار می‌رفت به‌کار بگیرد.

نکته قابل ذکر این است که تأکید و توجه همه داوطلبان چه راست و چه چپ بر مسائل اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم مورد توجه روزنامه‌های وابسته به هر دو گفتمان قرار گرفت. در این میان روزنامه رسالت در رابطه با این موضوع شدیدترین موضع‌گیری‌ها را از خود نشان می‌دهد: «تقریباً هیچ‌یک از نامزدها از وضع موجود اقتصادی و معیشتی مردم راضی نیستند، چه آن‌ها که مستقیم و چه آن‌ها که غیرمستقیم طی ۱۶ سال گذشته در اداره کشور نقش داشته‌اند. تقریباً همگی پیروزی خود را در نقد وضع موجود می‌دانند. یکی از نامزدها با وعده پرداخت ۵۰ هزار تومان به بالای ۱۸ سال به میدان آمده... نامزد مذکور می‌توانست در دوره‌ای که بالاترین مسئولیت را در قوه مقننه داشت حداقل کاری کند که کارمندان ماه‌های آخر حقوق و پاداش واقعی خود را به‌موقع دریافت کنند... رادیکال‌ها می‌گویند مسئله مردم مطالبات اقتصادی است. معلوم نیست افراطیون کی می‌خواهند هم‌درد مردم شوند و به‌میان مردم آمده و سختی‌ها و معیشت‌ها و تنگ‌دستی‌های آن‌ها را لمس کنند، چرا افراد ذکر شده این قدر از مردم فاصله می‌گیرند که درد آن‌ها را درک نمی‌کنند... ظاهراً افراطیون طعم تلخ گرسنگی و فقر را نچشیده‌اند و حتی آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دوره خاتمی را هم قبول ندارند که ۴۰ درصد مردم زیر خط فقرند» (رسالت ۱۴/۰۳/۲۲).

در این متن از یک سو از هم‌دردی با مردم، حضور داشتن در میان آن‌ها و لمس مشکلات و سختی‌های آنان سخن گفته شده است و از سویی دیگر اصلاح‌طلبان را که با واژه‌هایی همچون افراطیون یاد می‌کند افرادی معرفی کرده که از مردم فاصله گرفته و درد آن‌ها را که ریشه در مشکلات اقتصادی جامعه دارد درک نمی‌کنند؛ بنابراین در این متن یکی از بارزترین تلاش‌ها در گفتمان اصول‌گرایی برای از میان بردن تثبیت دال مردم در گفتمان اصلاح‌طلبی دیده می‌شود.

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... محمد سالار کسرایی و همکار

یکی از روزنامه‌های وابسته به گفتمان اصلاح‌طلبی نیز در رابطه با مسائل اقتصادی می‌گوید: «این روزها در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری باز دوباره بحث‌های اقتصادی جایی بزرگ در میان محافل مختلف اجتماعی باز کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تریبون‌های الوان در جریان مبارزات انتخاباتی هر کدام به‌گونه‌ای می‌خواهند برادری خود را به اقتصاد مردمی ثابت کنند، حتی در این میان کسانی که سال‌های اصلاح‌طلبی را برای کسب صندلی‌های قدرت آغشته به شعارها و افسانه‌های اقتصادی کرده بودند نیز دوباره در قامتی دیگر با سنگ‌پرانی به جریان اصلاحات ترکیبی دیگر از دولت رفاه را به تصویر کشیدند» (روزنامه اقبال ۸۴/۰۲/۲۴، به نقل از بابایی، ۱۳۸۸:۳۲۴).

شاید بتوان اقبال هر دو گفتمان به کاربرد این نشانه‌ها و مفاهیم را در انسداد گفتمانی اصلاح‌طلبی دانست. در حقیقت این گفتمان در سال‌های قدرت داشتن خود به‌قدری بر دال‌های مرتبط با سیاست و توسعه سیاسی تأکید کرد که از ساماندهی در عرصه‌های اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم باز ماند؛ بنابراین هر یک از گفتمان‌ها شرایط را برای به‌کارگیری این مفاهیم مناسب دیدند.

عامل دیگر کسب موفقیت برای اصول‌گرایان این بود که این گفتمان ضمن انتقاد از تجمل‌گرایی و اسراف‌ها و تبعیض‌ها که در گذشته صورت گرفته بود، تلاش می‌کرد خودش را در پیوند و ارتباط نزدیک و در کنار مردم و از جنس آن‌ها بداند، بدون آن‌که میان مردم و مسئولین فاصله‌ای باشد. در ادامه به چند نمونه از این سخنان اشاره می‌شود:

«مدیر اسلامی حداکثر رفاه را برای خود نمی‌خواهد. چنین مدیری امکان ندارد از وجود عده‌ای گرسنه و فقیر در حوزه مسئولیتش آگاه باشد و راحت سر به بالین نهد یا به مسافرت برود» (کیهان ۸۴/۰۳/۲۶).

«در دولت اسلامی مدیران باید به دنبال تأمین بیشتر رفاه برای مردم و کمترین برخورداری برای خودش باشد و این‌گونه نباشد که یک مدیر به محض دریافت حکم انتصاب خویش در جست‌وجوی خانه‌های میلیاردی در شمال شهر باشد» (همان ۸۴/۰۳/۲۱).

در این سخنان علاوه بر آن‌که مسئولین را هم‌جنس و در کنار مردم می‌داند، تلاش می‌کند چهره‌ای مطلوب و قابل قبول از خود نشان می‌دهد.

در گفتارهای نماینده این گفتمان از توسعه‌ای سخن گفته می‌شود که بر محور عدالت قرار داشته و مبتنی بر اسلام، سیاست‌ها و نیازهای کشور است. نمونه‌های زیر از این دست‌اند:

«من معتقد به توسعه هستم، اما توسعه باید بر محور عدالت باشد» (همان ۸۴/۰۳/۲۵).

«دولت‌های قبلی به دنبال توسعه سیاسی و اقتصادی بودند، اما در مدل توسعه کپی‌برداری شده از آن سوی مرزها عدالت جایگاهی ندارد. در حالی که اگر توسعه اقتصادی بر مبنای اسلام باشد، محور عدالت خواهد بود و حاصل آن بر سفره‌های مردم دیده خواهد شد» (همان ۸۴/۰۳/۲۳).

«توسعه سیاسی باید امیدآفرین باشد و تمام مراکز و احزاب و گروه‌ها باید برای رسیدن به آرمان انقلاب و ترقی‌شان و تربیت مدیران کارا و شجاع و خودباور حرکت کنند، تقویت کادر مدیریت کشور با توسعه سیاسی نوین و بومی امکان‌پذیر است» (همان ۸۴/۰۳/۲۵).

همان‌گونه که می‌بینیم در این گفتارها تعاریفی از رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی ارائه می‌شود که مبتنی بر اولویت‌بخشی به عدالت است، همچنین به‌کارگیری واژگانی همچون رشد اقتصادی اسلامی، توسعه اقتصادی مبتنی بر اسلام و توسعه سیاسی هم‌سو با آرمان انقلاب اسلامی تلاشی است که اصول‌گرایان در پیش می‌گیرند تا شیوه گفتاری خود را هم‌سو و در راستای گفتمان انقلاب و آرمان‌های آن نشان دهند و به این وسیله موجب افزایش محبوبیت خود در افکار عمومی شوند.

همچنین در گفتارهای نماینده اصول‌گرایی می‌توان رد پای برقراری یک نظم جدید را که جایگزین بحران و بی‌نظمی موجود باشد پی‌گیری کرد، نظمی که در سایه حرکت به سمت عدالت و عدالت‌خواهی به دست آمده و حلال مشکلات خواهد بود: «اگر عدالت را محور قرار دهیم، سمت و سوی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ما عوض خواهد شد و آن‌گاه پس از آن‌که فرصت‌های برابر در اختیار تمام ملت قرار گرفت بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد» (احمدی‌نژاد، کیهان ۸۴/۰۳/۲۰).

«من معتقدم دولت آینده دولت عدالت خواه است و با استقرار مدیران دلسوز و مؤمن در کشور تا چهار سال آینده وضعیت زندگی و روحیه مردم بهبود خواهد یافت. امروز مسئولیت ما و رسالت ما ساختن کشوری پیشرفته، مرفه و نمونه در جهان است» (احمدی‌نژاد، شرق ۸۴/۰۳/۱۷). در کنار این اظهارات، سخن از مشارکت و حضور مردم برای اصلاح و پیشرفت

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

کشور از جمله استراتژی‌ها برای برقراری یک نظم نوین است: «با مشارکت و حضور مردم در عرصه‌های اداره کشور می‌توان اصلاح و پیشرفت را تضمین کرد. این تصور باطل و گمراه‌کننده‌ای است که بدون حضور فعال مردم می‌توان موجب پیشرفت اقتصادی و اعتلای فرهنگ و هنر و ادبیات کشور شد. اگر مردم وارد عرصه‌ها شوند، حتی با کیفیت بهتر، بالاتر و ارزان‌تر کشور را به پیش خواهند برد» (احمدی‌نژاد، کیهان ۸۴/۰۳/۱۳).

«منابع ملی باید از چنجه دولت آزاد و در اختیار مردم قرار گیرد تا در خدمت پیشرفت کشور باشد» (همان ۸۴/۰۳/۲۲).

علاوه بر عواملی که موجب شد گفتمان اصول‌گرایی بتواند به قابلیت دسترسی دست یابد، ویژگی متمایز دیگر این گفتمان آن است که دال عدالت در گفتمان اصول‌گرایی در شرایطی در گفتارهای نماینده آن مطرح می‌شد که هیچ‌یک از کاندیداهای رقیب نتوانستند از این دال استفاده کنند و جایگزینی برای این گفتمان محسوب شوند. احمدی‌نژاد یکی از کاندیداهای این گفتمان در شرایطی از عدالت و دولت اسلامی سخن می‌گوید که در شعار کاندیداهای دیگر این مفاهیم دیده می‌شود: «دولت کارآمد، دموکراسی‌خواهی و حقوق بشر، توسعه دانایی محور» مصطفی معین، «دولت مقتدر و کارآمد برای توسعه پایدار» مهدی کروبی، «دولت رفاه» محسن مهرعلیزاده، «همه با هم کار برای سربلندی ایران» هاشمی رفسنجانی؛ بنابراین به‌طور طبیعی مفهوم عدالت برای توده مردم بسیار قابل فهم و در دسترس قرار داشت. شعار دولت اسلامی و کاربرد آن در کنار دال عدالت به‌نوعی بازگشت به گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شد که در آن عدالت همان‌گونه که گفته شد یکی از شعارهای اصلی بود. در واقع دال عدالت به عنوان یک ارزش انقلابی حضور قابل توجهی می‌یابد و مکرراً از دولتی اسلامی سخن می‌رود که تکیه بر عدالت دارد و همراه با آن تعریف می‌شود.

«حل مشکلات امروز مردم مستلزم بازگشت به اسلام و تشکیل دولت عدالت‌خواه است» (کیهان ۸۴/۰۳/۳۰).

«... نگاه اسلام به همه‌چیز محور عدالت و متکی به دریافت‌های حلال و حرام است. اگر چه در گذشته کارهای خوبی شده است، اما نتایج منفی هم داشته است» (همان ۸۴/۰۳/۲۶).
بنابراین قرار گرفتن دو واژه دولت اسلامی و عدالت در کنار یکدیگر تداعی‌کننده یکی از آمال و آرزوهایی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی در پی دستیابی به آن بودند. به عبارتی،

این عامل خود موجب افزایش قابلیت اعتبار این گفتمان نیز می‌شد و زمینه لازم را برای تبدیل شدن به تصور عمومی و جذب نیروهای اجتماعی می‌یافت، چرا که منطبق بر انتظارات و خواست‌های جامعه و در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار داشت. قوچانی نیز به این مسئله توجه نشان داده و می‌گوید: «پیدایش جنبش اصول‌گرایی در ایران پس از ربع قرن مناسباتی را که به وقوع انقلاب اسلامی منتهی شد یادآوری می‌کند» (قوچانی، ۱۳۸۵: ۲۴۵). بنابراین گفتمان اصول‌گرایی با بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشگی که با تأکید بر نشانه‌های همچون عدالت شکل می‌گرفت خود را به ریشه‌های گفتمان انقلاب اسلامی وصل می‌کرد.

از سوی دیگر در گفتار نماینده اصلاح‌طلبی در حالی از خصوصی‌سازی سخن گفته می‌شود که مشکلات و بی‌عدالتی‌های پدید آمده در دوران سازندگی به دلیل پیگیری سیاست‌های خصوصی‌سازی موجب سرخوردگی از این سیاست‌ها شده بود و این مسئله از جمله عوامل مؤثر در عدم اقبال به این گفتمان بود.

«مزاحمانی هستند که شعاری عمل می‌کنند و سیاست‌های اقتصادی و فعال کردن بخش خصوصی را انحراف از ارزش‌ها می‌دانند که این تفکر اشتباه است» (شرق ۱۳۸۰/۰۳/۸۴).
«خصوصی‌سازی در کشور حلال اصلی افزایش بهره‌وری، کاهش کسری بودجه و کاهش تورم است» (همان).

یکی دیگر از عواملی که در کسب موفقیت اصول‌گرایی و کسب دسترسی و اعتبار آن مؤثر بود، شیوه و نوع تبلیغاتی بود که به کار گرفته شد. به‌گونه‌ای که تفاوت محسوسی با دیگر شیوه‌ها و نیز مراحل قبلی این انتخابات داشت و این مسئله موجب شد این استراتژی تبلیغاتی به‌خوبی دیده شود. پایه اصلی فعالیت‌های ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد ستادهای خودجوشی بود که در تهران و شهرستان‌ها توسط طرفداران او و گروه‌ها و انجمن‌های مردمی غیررسمی و ... تشکیل شده بود. نوع تبلیغاتی که در این انتخابات صورت می‌گرفت عمدتاً کم‌خرج و ساده بود، به‌گونه‌ای که برخی تراکت‌ها و پوستره‌های منتشره در سطح تهران در حمایت از وی با چاپ سیاه و سفید و متن‌های دست‌نویس بود و طبعاً چنین شیوه کم‌خرجی در میان تبلیغات سنگین و پرخرج برخی کاندیدا مردمی‌تر جلوه می‌کرد (سیاح، ۱۳۸۴: ۴۹).

فیلم تبلیغاتی احمدی‌نژاد نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در افزایش اقبال به‌سمت وی بود. این فیلم که دفتر و منزل ساده و بی‌تجمل وی را در کنار ویلای مجلل و پرزرق و برق شهردار

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

سابق تهران به‌نمایش می‌گذاشت موجب شد که در آخرین هفته انتخابات موج محبوبیت وی به‌سرعت اوج گیرد و اقبال مردمی به او به‌گونه‌ای تعجب‌آور فزونی یابد؛ به‌گونه‌ای که برخی رسانه‌ها و مطبوعات از شکل‌گیری سونامی احمدی‌نژاد در روزهای پایانی نزدیک به ۲۷ خرداد خبر می‌دادند (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۲۹-۵۲۸). در نهایت همان‌گونه که رسانه‌ها و مطبوعات بیان کردند، در دور اول با وجود تصویری که می‌شد، احمدی‌نژاد به همراه هاشمی‌رفسنجانی بیشترین آرا را به‌خود اختصاص دادند.

۴-۲-۴- مرحله دوم انتخابات

محمود احمدی‌نژاد و علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی دو فرد برگزیده از سوی مردم در مرحله اول بودند. در این میان احمدی‌نژاد به‌عنوان نماینده مورد اتفاق اصول‌گرایان مورد حمایت قرار گرفت و جناح چپ اصلاح‌طلبان که از راه‌یابی نماینده اصلی خود به این مرحله ناکام مانده بودند از هاشمی حمایت کردند. تیتراژ درشت روزنامه شرق در اول تیرماه ۱۳۸۴ به‌خوبی به این نکته اشاره می‌کند: «همه اصلاح‌طلبان پشت سر هاشمی» (شرق ۸۴/۰۴/۰۱). آن‌گونه که خود اصلاح‌طلبان اذعان دارند اعلام حمایت از هاشمی‌رفسنجانی نه به‌خاطر حمایت واقعی از او، بلکه بیشتر ناشی از این مسئله بود که در این گفتمان نگرانی زیادی در خصوص انتخاب احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور پدید آمده بود و انتخاب هاشمی به‌عنوان گزینه مطلوب را می‌توان تلاش برای جلوگیری از رای آوردن احمدی‌نژاد محسوب کرد.

مرحله دوم انتخابات را می‌توان به معنای واقعی کلمه انتخاباتی دو قطبی دانست. به‌گونه‌ای که با قرارگرفتن همه گروه‌های دوم خردادی در صف حمایت از هاشمی در آستانه انتخابات سوم تیر، دو جبهه اصلی مدافعان وضع موجود و مخالفان وضع موجود شکل گرفتند و هاشمی نماد جبهه اول و احمدی‌نژاد نماد جبهه دوم محسوب شد (موسوی، ۱۳۸۵: ۶۶۱). روزنامه کیهان در یادداشت خود پس از شمارش آرای مرحله اول و راه یافتن هاشمی و احمدی‌نژاد به دور دوم تحت عنوان خودت را به نسیم بسپار می‌نویسد: «اکنون دو نگاه به حکومت رو در روی هم قرار دارند. در یک سو تقریباً تمامی احزاب و قدرتمندان سیاسی و صاحبان قدرت و سرمایه‌های کلان و حافظان سیستم موجود و به‌جا مانده از مناسبات ۱۵-۱۶ ساله قرار دارند و

از سویی دیگر میلیون‌ها مردمی که کم‌کم دارند باور می‌کنند یک نفر از جنس خودشان را می‌توانند به خانه‌ای در خیابان پاستور و نه در کاخ سعدآباد بفرستند» (کیهان ۸۴/۰۴/۰۱). روزنامه شرق در تاریخ ۶ تیرماه ۱۳۸۴ نیز می‌نویسد: «در مرحله دوم هاشمی به‌عنوان نماد حاکمیت و احمدی‌نژاد نماد تغییر و جنسی متفاوت با حاکمیت محسوب گردید. از این رو مردم رای خود را به کسی دادند که به نظر ایشان مخالف وضع موجود و نارسایی آن است». بنابراین می‌توان رقابت میان این دو کاندیدا را به‌عنوان رقابت میان غنی و فقیر نیز تعبیر کرد. احمدی‌نژاد به‌عنوان نماینده فقرا و هاشمی نماینده اغنیا دو قطب مخالفی بودند که در مقابل یکدیگر قرار داشتند. در حقیقت طبقه پایین و حاشیه‌نشینان جامعه با انتخاب احمدی‌نژاد به‌دنبال به‌قدرت رسیدن خود بودند. آن‌ها کسانی بودند که از روند توسعه‌ای که از ۱۶ سال پیش در کشور آغاز شده بود ناخرسند بودند و بیشترین آسیب را دیده بودند و مطالبات خود را در شعارهای احمدی‌نژاد می‌دیدند.

قرار گرفتن این دو کاندیدا به‌عنوان نمایندگان دو جریان با پیروزی فردی همراه شد که نسبت به سیاست‌های اقتصادی گذشته که منجر به ایجاد شکاف طبقاتی و نادیده گرفته شدن طبقات محروم شده بود انتقاد داشت. می‌توان گفت که بسیاری از رای‌دهندگان بیش از آن‌که احمدی‌نژاد را بشناسند هاشمی را می‌شناختند و انتخاب احمدی‌نژاد به‌عنوان نماینده فقرا از اعتراض و نظر منفی آن‌ها نسبت به شرایط گذشته حکایت می‌کرد. هاشمی رفسنجانی به‌عنوان ادامه دهنده یک جریان منسوب به گذشته محسوب می‌شد که پس از گذشت سال‌ها از آن دوران، جاذبه خود را نزد مردم از دست داده بود و یادآور مشکلات و بی‌قراری‌های آن سال‌ها بود. اما احمدی‌نژاد را می‌توان نماینده گفتمانی دانست که بر پایه گفتارهایی معطوف به آینده شکل گرفته بود و نویدبخش دوران تازه‌ای بود. در مجموع دارا بودن قابلیت اعتبار و دسترسی اصول‌گرایان در این مرحله در کنار سایر ویژگی‌های دیگری که شرح آن رفت موجب شد که این گفتمان موفق به شکست گفتمان اصلاح‌طلبی شود و قدرت را در اختیار بگیرد.

۵- نتیجه‌گیری

اگرچه خرداد ۷۶ گفتمان راست با موفقیت اصلاح‌طلبان در به‌دست گرفتن قدرت و هژمونی آن به حاشیه رفت، اما از آنجا که حقانیت خود را بیش از رقیب می‌دانست، حاضر به

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

واگذاشتن عرصه سیاست نشد و در یک فرایند غیریت‌سازانه با گفتمان اصلاح‌طلبی قرار گرفت و در تمام سال‌های تسلط این گفتمان در پی تضعیف هژمونی آن و از میان بردن ثبات نشانه‌های اصلاح‌طلبی برآمد. به‌کارگیری استراتژی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری طرد و برجسته‌سازی عاملی مؤثر برای نتیجه گرفتن از این غیریت‌سازی‌ها بود. همان‌گونه که نظریه گفتمان می‌گوید، عام‌گرایی یک گفتمان با نقد گفتمان حاکم و تبیین منفی آن شکل می‌گیرد و در مرحله بعد، گفتمان اقدام به شکل‌دهی به صورت‌بندی گفتمانی خود می‌کند. گفتمان اصول‌گرایی نیز در مرحله اول تلاش نمود ثبات دال‌ها و نشانه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی را از میان ببرد و در مرحله بعد که از اوایل دهه هشتاد شروع می‌شد به تثبیت معنای دال‌های مورد نظر خود و تولید اجماع حول این دال‌ها مبادرت ورزید. به نظر می‌رسد که از اوایل دهه هشتاد به تدریج زمینه بروز و نمود گفتار اقتصادی اصول‌گرایان آغاز شد. در حقیقت ورود گفتمان اصول‌گرایی به عرصه سیاست و تلاش برای در اختیار گرفتن قدرت پاسخی بود به بحران‌هایی که در مدت هشت سال تسلط اصلاح‌طلبان در کشور بروز کرده بود. قتل‌های زنجیره‌ای، ترور سعید حجاریان، اعتراضات دانشجویی و حادثه کوی دانشگاه، دستگیری غلامحسین کرباسچی، تبعات ناشی از کنفرانس برلین، دستگیری هاشم آقاجری و حکم ارتداد وی و ... همگی از جمله بحران‌ها و مشکلات تاثیرگذاری بودند که بر حجم نکات منفی پرونده اصلاح‌طلبان می‌افزودند و موجب ریزش نشانه‌های آن و پراکندگی نیروهای اجتماعی در طول زمان شدند. به این ترتیب مجموعه این عوامل گفتمان اصلاح‌طلبی را به تدریج کم‌اعتبار ساخت و شرایط برای ساختارشکنی آن فراهم شد.

در سال‌های حاکمیت اصلاح‌طلبان یک فضای دو قطبی در کشور شکل گرفت که گفتمان اصول‌گرایی یکی از این دو قطب بود. این گفتمان با دست گذاشتن و مطرح کردن مسائلی که به‌نظر تهدید کننده امنیت، فرهنگ، دین و سیاست بود تلاش می‌کرد اصلاح‌طلبی را در رسیدن به آنچه که مصلحت مملکت است ناکام و ناتوان نشان دهد. گفتمان اصول‌گرایی با قرار گرفتن در مقابل گفتمان حاکم که بیشتر بر حوزه فرهنگ و سیاست تأکید داشت، وجه متمایز خود را تأکید بر حوزه اقتصاد و دال‌های مرتبط با آن قرار داد. اصول‌گرایان تلاش کردند مشکلات واقعی مردم را نه سیاست، بلکه اقتصاد نشان دهند، چرا که گفتمان اصلاح‌طلبی به دلیل تأکید بر حوزه سیاست و تأکیدی که بر دال‌های مرتبط با مردم همچون توسعه سیاسی و اصلاحات

سیاسی داشت، عملاً قادر به به‌کارگیری دال‌های مرتبط با حوزه اقتصاد به‌طور مؤثر نبود. این در حالی بود که شرایط کشور از جمله گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت، نیروی جوان تحصیل کرده و بیکار و ... نشان از نیاز به توجه هر چه بیشتر به این حوزه داشت. به این ترتیب اصول‌گرایان که فهمیده بودند اقتصاد و مسائل مرتبط با آن پاشنه آشیل گفتمان اصلاح‌طلبی است سعی کردند دال‌های مرتبط در حوزه اقتصادی را در اختیار بگیرند؛ بنابراین اقدام به نقد عملکرد گذشته و نارسایی‌های موجود کردند و عدالت را به‌عنوان یک دال در گفتمان خود برجسته ساختند. البته نباید از این نکته غافل شد که وقایعی که در طول دوران تسلط اصلاح‌طلبان در حوزه اقتصادی رخ داد عملاً از جمله مواردی بود که در کسب موفقیت بیشتر اصول‌گرایان تأثیری دو چندان داشت. مسائلی همچون فساد مالی غلامحسین کرباسچی شهردار سابق تهران، اختلاس شهرام جزایری، بروز فساد مالی در شهرداری تهران در دوره اول شوراها همگی از این دست مسائل بودند که عرصه را برای تأکید بیشتر اصول‌گرایان بر تلاش برای مبارزه با فساد و بی‌عدالتی و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم هموارتر می‌ساخت. اصول‌گرایان از سال‌های آغازین دهه هشتاد با ترسیم جامعه‌ای آرمانی مبتنی بر اقامه عدالت، نیروهای اجتماعی را به‌سوی خود جذب کردند. دو عامل اساسی در این برهه روند پیروزی اصول‌گرایان را تسریع می‌بخشید:

- به دلیل مشکلاتی که در عرصه سیاسی رخ داده بود جامعه شرایط لازم برای پذیرش گفتمانی که به‌جای سیاست بر اقتصاد تأکید ورزد را نشان می‌داد.

- برنامه‌های اقتصادی و حل مشکلات معیشتی که طی این سال‌ها توسط اصول‌گرایان نوید داده می‌شد جذابیت‌های لازم را برای جذب نیروهای اجتماعی به این گفتمان فراهم ساخت، چرا که عدالت به‌ویژه از بعد اقتصادی در مرکز ثقل منظومه گفتمانی آن قرار گرفته بود.

اولین مرحله برای قدم نهادن اصول‌گرایان در کسب موفقیت، در انتخابات دومین دوره شورای شهر فراهم شد. آن‌ها در این مرحله از مشکلات سیاسی رخ داده برای اعضای شورا که در نهایت به انحلال آن انجامید بیشترین بهره‌برداری را برای حاشیه‌رانی اصلاح‌طلبان و برجسته‌سازی خود بردند. آن‌ها با به‌کارگیری نیروهای جوان و تحصیل کرده در حوزه اقتصادی و بدون سابقه سیاسی تلاش کردند خود را به گونه‌ای معرفی کنند که از هرگونه سیاست و سیاست‌بازی به‌دور بوده و بر عمل‌گرایی و خدمت‌رسانی و تلاش برای حل مشکلات واقعی

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

مردم تأکید کنند. نکته قابل اشاره این که آن‌ها در انتخابات شوراها ابتدا بیشترین تلاش را برای تزلزل و ساختارشکنی برخی نشانه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی به‌ویژه توسعه سیاسی به‌کار بردند و سپس در مراحل بعدی در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم بر دال عدالت به‌خصوص در ابعاد اقتصادی آن تأکید کردند. اگر چه در این دوره نمی‌توان از عملکرد اقتصادی ناموفق شورای اول چشم پوشید. استعفای الویری، برکناری ملک مدنی، بروز پدیده گرانی زمین و سوء استفاده‌هایی که از این مسئله برای عده‌ای از اعضای شورا فراهم شد و نیز مشکلاتی که در خصوص فروش تراکم در شهر تهران رخ داد، در تضعیف عملکرد اقتصادی اصلاح‌طلبان و گسترش نقد اصول‌گرایان مبنی بر فساد و ناکارآمدی اصلاح‌طلبان مؤثر افتاد. به این ترتیب اصول‌گرایان با شعار پرهیز از سیاست‌ورزی و اولویت قائل شدن به مشکلات معیشتی مردم توانستند تسلط بر شورای دوم شهر تهران و برخی شهرهای بزرگ را در اختیار بگیرند. در این دوره از شوراها احمدی‌نژاد به‌عنوان شهردار تهران از سوی نمایندگان شورا برگزیده شد. وی دارای تحصیلات دانشگاهی در حوزه شهری بود و با طرح و اجرای ایده‌هایی همچون ازدواج آسان، ارائه بن رفاهی به فرهنگیان و ... در طول دورانی که شهردار بود، چهره‌ای مردمی و خدمتگزار از خود بر جای گذاشت.

در مرحله بعد اصول‌گرایان با تلاش بیشتر در پی دست یافتن به مجلس قانون‌گذاری و کسب پیروزی در انتخابات مجلس هفتم برآمدند، چرا که این انتخابات در سطحی بسیار گسترده‌تر از انتخابات شوراها و با اهمیتی به‌مراتب بیشتر قرار داشت. اصول‌گرایان در این مرحله نیز با شدت بیشتری به ساختارشکنی برخی از نشانه‌های معتبر گفتمان اصلاح‌طلبی برآمدند. نشانه‌های مردم، اصلاحات و قانون از جمله نشانه‌های اصلی گفتمان حاکم بودند که از یک‌سو توسط اصول‌گرایان ساختارشکنی شدند و از سوی دیگر آن‌ها را در صورت‌بندی خود به‌کار گرفتند و با ارائه معنایی جدید از آن‌ها نسبت به مصادره به‌مطلوب نمودن آن‌ها تلاش کردند. در اختیار داشتن شورای نگهبان و کاربرد نظارت استصوابی در رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم نشان از قدرت اصول‌گرایان داشت و این گفتمان با مسلح کردن خود به این ابزار کارآمد از ورود برخی چهره‌های مطرح اصلاح‌طلب به مجلس جلوگیری کرد و مانع از فعالیت آن‌ها شد و با این کار توان اجتماعی گفتمان اصلاح‌طلب را تحلیل برد. اصول‌گرایان در منازعات این دوره با استفاده از استعفای نمایندگان

مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت خود، دال قانون را در گفتمان اصلاح‌طلبی ساختارشکنی کرده و آن را به‌کار گرفتند. این گفتمان حمایت برخی از کشورهای غربی از تحصن را دستاویزی برای از میان بردن تثبیت دال اصلاحات در مرحله بعد قرار دادند، چرا که با این کار اصلاحات مورد نظر اصلاح‌طلبان را اصلاحات امریکایی و غیربومی معرفی کردند و بر ایجاد یک اصلاحات متناسب با نیازهای داخلی تأکید کردند. از نظر گفتمان اصول‌گرایی اصلاحات در حوزه اقتصادی به‌عنوان نیاز واقعی مردم اصلاحات درست بود. از این رو در این مرحله با کاربرد وسیع‌تری نسبت به انتخابات شوراها، از واژگان اقتصادی و دال‌های مرتبط در این حوزه استفاده کردند و بر واژگانی همچون خدمت‌رسانی، حل مشکلات معیشتی، حل مشکل بیکاری و اشتغال جوانان، آبادگری، پیشرفت و عدالت تأکید کردند. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که در طی سال‌های منازعه و تلاش برای ساختارشکنی دال‌های اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایان از در ستیز با الگوی گفتاری اصلاح‌طلبی که بر دال‌هایی همچون مردم، اصلاحات و قانون تأکید می‌کرد وارد نشدند، بلکه با به‌کار بردن این دال‌ها در منظومه گفتمانی خویش، مدلول‌های مورد نظر خود را با آنان همراه ساختند.

اصول‌گرایان تا این مرحله توانسته بودند به‌خوبی از قدرت در اختیار داشته بهره ببرند و در طول سال‌ها منازعه با گفتمان حاکم از این قدرت برای طرد و حاشیه‌رانی آن استفاده کنند. اما اصول‌گرایان برای تثبیت کامل دال‌ها و عناصر خود و عینیت یافتن به دو عامل دیگر نیاز داشتند که در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری برایشان فراهم شد. قابلیت اعتبار و دسترسی نزد افکار عمومی عواملی بودند که می‌توانستند اسطوره اصول‌گرایان را که حول عدالت و از انتخابات شوراها شکل یافته بود به تصور اجتماعی و این گفتمان را به هژمونی تبدیل کنند. قابلیت دسترسی که اشاره به ساده و همه‌فهم بودن ادبیات و گفتارهای یک گفتمان دارد، در منازعاتی که میان نماینده گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی رخ داد به‌وضوح قابل مشاهده بود. در پیروزی گفتمان اصول‌گرایی عوامل گوناگونی قابل شناسایی بود:

- زبان همه‌فهم و عامیانه و تهی از اصطلاحات تخصصی و پیچیدگی‌های نظری که امکان دسترسی به آن را برای توده‌ها بسیار آسان می‌کرد،

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرایی و همکار

- شعارهای ملموسی که برای تعریف عدالت به کار برده می‌شد، از جمله فقرزدایی، رفاه، برخورداری همه از امکانات مساوی، آوردن نفت سر سفره‌های مردم، مبارزه با حاشیه‌نشینی، کوتاه کردن دست مفسدان از ثروت کشور، از میان بردن قله‌های ثروت،

- استراتژی‌های هوشیارانه و بهره‌گیری درست از شرایط تاریخی، ارتباط و پیوند با گفتمان

انقلاب اسلامی

نماینده این گفتمان با سخن گفتن از عدالت و چگونگی دست‌یابی به آن آرمان‌شهری را نوید می‌داد که در آن نه تنها نیازهای مادی مردم در پرتو دست یافتن به عدالت فراهم می‌شد، بلکه برخورداری همه از امکانات برابر و بروز استعدادها و رفاه مادی در سایه تحقق عدالت نیز میسر می‌شد.

در گفتارهای احمدی‌نژاد برقراری عدالت در پیوند با تشکیل دولت اسلامی بود و این یادآور بازگشت به گفتمان انقلاب اسلامی بود که تحقق عدالت را به مردم به‌ویژه محرومان و مستضعفان وعده داده بود و این در افزایش اعتبار گفتمان اصول‌گرایی مؤثر بود. از دیگر ویژگی‌های اصول‌گرایی این بود که بر خلاف اصلاح‌طلبی که روی سخنش بیشتر با روشنفکران، تحصیل‌کردگان و طبقه متوسط جامعه بود، توده مردم را مخاطب قرار می‌داد و روی سخنش بیشتر با عوام به‌خصوص قشر پائین جامعه بود و از رسیدگی به اوضاع و احوال آن‌ها از طریق اجرای عدالت سخن می‌گفت. الگویی که در این گفتمان ارائه می‌شد الگویی عدالت‌خواهانه برای حرکت به سمت آینده‌ای بهتر بود و این نظام گفتاری جدید افق تازه‌ای را پیش‌روی باور عموم قرار می‌داد. ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری نماینده این گفتمان از دیگر عوامل مؤثر در جذب نیروهای اجتماعی بود. احمدی‌نژاد با ویژگی‌های شخصیتی که داشت باعث جذب توده‌ها به‌سوی خود می‌شد. ساده‌زیستی کاندیدای گفتمان اصول‌گرایی که خود را در پوشش، ماشین، خانه، چهره و رفتار وی متجلی می‌کرد باعث می‌شد مردم وی را فردی از جنس خود بدانند که حرف دل آن‌ها را می‌زند. این ویژگی‌ها در دور دوم انتخابات با قرار گرفتن احمدی‌نژاد در مقابل هاشمی‌رفسنجانی نمود و بروز بیشتری یافت و عاملی برای موفقیت او شد. احمدی‌نژاد به‌عنوان نماینده فقرا منتقد شرایط موجود بود و در مقابل، هاشمی به‌عنوان فردی مطرح می‌گردید که خواهان حفظ شرایط موجود بود. در مجموع داشتن قابلیت

اعتبار و دسترسی اصول‌گرایان در این مرحله موجب شد که این گفتمان در کنار سایر ویژگی‌ها موفق به کسب هژمونی شود.

۶- کتاب‌شناسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). *گفتمان عدالت در دولت نهم*، معرفت سیاسی، ش ۲.
- اثنی‌عشری، شهرداد (۱۳۸۴). *از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی (تحلیلی بر آسیب‌شناسی علل گذار از دولت خاتمی به دولت احمدی‌نژاد)*، تهران: عطایی.
- امیری، جهاندار (۱۳۸۶). *اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدروخوانده*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بابایی‌کر، رسول (۱۳۸۸). «زبان و سیاست روزمره»، *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه تهران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، ش ۲۸.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۶). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.
- حکمت، سپهر (۱۳۸۵). *گفتمان عدالت و معنویت جستاری نشانه‌شناسانه در سخنان محمود احمدی‌نژاد*، تهران: هومن نوایی.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۶). «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی»، *دوفصل‌نامه دانش سیاسی*، ش ۲.
- ساعی، علی (۱۳۸۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: انتشارات سمت.
- سجادی، حمید (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان*، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۳۹.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان، زبان*، تهران: نشر نی.
- سیاح، سید امیر (۱۳۸۴). *نقش آفرینان سومتیر*، تهران: طراحان فردا.
- قوچانی، محمد (۱۳۸۵). *پدروخوانده و راست‌های جوان*، تهران: نشر سرایی.

تحلیل گفتمان عدالت در دهه سوم ... _____ محمد سالار کسرائی و همکار

- قیصری، نورالله (۱۳۸۵). «گفتمان سیاسی امام خمینی و گفتمان‌های رقیب»، پژوهش‌نامه متین، ش ۳۰.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۷۹). *جادوی گفتار، ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در دوم خرداد*، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پژوهان
- کچویان، حسین (۱۳۸۶). *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران (ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد)*، تهران: نشر نی.
- کسرائی، محمد سالار (۱۳۸۸). *نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصل‌نامه سیاست*، ش ۳.
- موسوی، سید نظام‌الدین (۱۳۸۵). *انتخابات نهم ریاست جمهوری*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Laclau, E, Mouffe, C., 1985, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.

آرشیو روزنامه

- رسالت، ۱۳۸۴، ۱۳۸۲، ۱۳۷۸

- سیاست روز، ۱۳۸۲

- شرق، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴

- صدای عدالت، ۱۳۸۱

- کیهان، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی